

بررسی وضعیت حقوقی گروه طالبان

از منظر حقوق بین الملل



مؤلف: شاکر حیات

بهار ۱۴۰۰

بنام خداوند جان و خرد

تقديم

به تمام مبارزينی که به خاطر آزادی، برابری و توسعه افغانستان قلم و قدم زدند.

فهرست مطالب

تقریظ ۱

مقدمه ۲

فصل اول

مفاهیم و کلیات

مبحث اول: نهضت‌های آزادی‌بخش ملی و گروه تروریستی ۴

گفتار اول: نهضت‌های آزادی‌بخش ملی ۴

الف: حقوق نهضت‌های آزادی‌بخش ملی ۴

۱: مشروعیت توسل به‌زور ۴

۲: مشروعیت دریافت کمک‌های نظامی ۵

ب: تکالیف مربوط به نهضت‌های آزادی‌بخش ملی ۵

گفتار دوم: گروه تروریستی ۶

الف: تعریف تروریسم ۷

ب: مشخصات گروه تروریستی ۷

مبحث دوم: گروه مزدور و گروه شورشی ۷

گفتار اول: گروه مزدور ۷

الف: قواعد بین‌المللی حاکم بر گروه مزدور ۹

ب: قطعنامه‌های مجمع‌عمومی و شورای امنیت ملل متحد پیرامون منع مزدوری ۱۰

گفتار دوم: گروه شورشی ۱۰

الف. شورشی اصلاح‌طلب ۱۱

ب. شورشی تجارتي ۱۱

فصل دوم

وضعیت حقوقی گروه طالبان از منظر حقوق بین‌الملل

- مبحث اول: بررسی مشابهت گروه طالبان با نهضت‌های آزادی‌بخش ملی از منظر حقوق بین‌الملل ۱۳
- گفتار اول: اشغال ۱۳
- الف: کنفرانس بن ۲۰۰۱ ۱۴
- ۱: جناح‌های داخلی ۱۵
- جبهه متحد ملی افغانستان (جبهه مقاومت) ۱۵
 - شورای روم، قبرس و پاکستان ۱۵
- ۲: جناح‌های خارجی ۱۵
- سازمان ملل متحد ۱۵
 - کشورهای ناظر بر کنفرانس بن ۱۶
- گفتار دوم: داشتن رهبری واحد و پاسخگو ۱۷
- گفتار سوم: عملکرد طبق قواعد بین‌المللی ۱۸
- گفتار چهارم: داشتن یونیفرم خاص ۲۰
- مبحث دوم: بررسی مشابهت گروه طالبان با گروه تروریستی از منظر حقوق بین‌الملل ۲۲
- گفتار اول: عملکرد گروه طالبان ۲۴
- الف: گروگان‌گیری در رستوران اسپوژمی و هوتل انترکانتیننتال ۲۴
- ب: بازداشت‌های فراقانونی، شکنجه خودسرانه و محاکمه صحرايي ۲۵
- ج: انتحاری ۲۶
- د: قتل‌های هدفمند و ماین‌گذاری ۲۷
- ه: تخریب آثار باستانی، انهدام مسکن‌های افراد ملکی و کوچ اجباری ۲۷
- و: نقض حقوق محیط‌زیست ۲۸

- ز: نقض حقوق زنان ۲۸.....
- گفتار دوم: ایجاد رعب و ترس در میان شهروندان. (سیاست ترس) ۲۹.....
- گفتار سوم: تهدید دولت به فعل و یا ترک فعل به هدف رسیدن به حکومت ۳۱.....
- مبحث سوم: بررسی مشابهت گروه طالبان با گروه مزدور و گروه شورشی از منظر حقوق بین‌الملل ۳۳.....
- گفتار اول: بررسی مشابهت گروه طالبان با گروه مزدور ۳۳.....
- الف: تبعه و عضو مسلح کشور هیچ‌یک از طرف‌های درگیر نباشد ۳۴.....
- ب: استخدام به منظور کسب منافع شخصی ۳۵.....
- گفتار دوم: بررسی مشابهت گروه طالبان با گروه شورشی ۳۶.....
- الف: شورشی اصلاح طلب ۳۶.....
- ب: شورشی تجارتي ۳۷.....

فصل سوم

تعقیب عدلی و قضایی گروه طالبان

- مبحث اول: تعقیب عدلی و قضایی گروه طالبان در محاکم ملی و بین‌المللی ۴۲.....
- گفتار اول: تعقیب عدلی و قضایی گروه طالبان در مراجع ملی ۴۲.....
- گفتار دوم: تعقیب عدلی و قضایی گروه طالبان در مراجع بین‌المللی ۴۳.....
- مبحث دوم: تعهدات دولت‌ها در قبال گروه طالبان ۴۴.....
- گفتار اول: منع کمک‌های مالی و تسلیحاتی به گروه طالبان ۴۴.....
- گفتار دوم: منع حمایت تبلیغاتی و شناسایی گروه طالبان ۴۸.....
- نتیجه‌گیری ۵۱.....
- فهرست منابع ۵۲.....

تقریظ

دانش مشعلی‌ست فرا راه انسانی در روندی که انسان برای رسیدن به جایگاه مناسب اجتماعی خویش، آن را الگوی زندگی قرار می‌دهد؛ اما، دانش اکادمیک، وسیله‌ی‌ست که به انسان و جایگاه مناسب انسانی، جامعیت بیش‌تر بخشیده و آن را به هدف تعیین‌شده نزدیک‌تر می‌سازد. در حقیقت امر، این مأمول، مادامی میسرشدنی‌ست که دانش علمی، استمرار و پیوستگی خویش را در روند تحقیق و پژوهش متداوم و پویا، پیگیری و تداوم بخشد. آن‌گاه است که دانش علمی، خلاقیت و جامعیت خویش را همواره غنای بیش‌تر بخشیده و روند تکاملی خویش را پایه‌پای زمان، محفوظ نگه‌داشته و پاسخ‌گوی نیازمندی‌های زمانی انسانی خواهد بود. به سخن دیگر، دانش علمی، رابطه‌ی مستقیم و تنگاتنگ با روند تحقیق و پژوهش داشته و باروری هرچه بیش‌تر آن در گرو پژوهش می‌باشد. از این‌جاست که دانش علمی، روند طبیعی و پویایی خویش را پیوسته حفظ نموده از رخوت و در جاذبگی به‌دور نگاه‌داشته می‌شود. رساله‌ی علمی - پژوهشی‌ای که در معرض مطالعه و بررسی نقادانه‌ی شما بینش‌وران محترم قرار دارد؛ نتیجه‌ی تحقیق و بررسی است که نویسنده‌ی محترم، جناب استاد شاکر حیات روی آن انجام داده است. این پژوهش که زیر نام «بررسی وضعیت حقوقی گروه طالبان از منظر حقوق بین‌الملل» صورت گرفته، به گمان اغلب نخستین اثر آکادمیک پیرامون عنوان مذکور در افغانستان بوده باشد.

رعایت اصل بی‌طرفی، آکادمیک بودن، استفاده از منابع معتبر و هماهنگی متن از آغاز تا به انجام تحقیق از جمله ویژگی‌های تحقیق بشمار رفته و می‌تواند به‌عنوان منبع تحقیقی برای اصحاب علم و پژوهش مورد استفاده قرار گیرد. مزید بر آن روشن ساختن ماهیت حقوقی گروه طالبان یک امر محال نبوده؛ بلکه محقق توانسته این گروه را به شکل ساده و واضح به معرفی بگیرد.

روش معمولی که می‌تواند در چنین تحقیق‌های آکادمیک مورد استفاده قرار گیرد روش مقایسه‌ای می‌باشد که خوشبختانه اثر حاضر به همین روش اتمام یافته و مشخصات گروه‌های نظامی با مشخصات گروه طالبان به‌صورت دقیق و مسلسل به مقایسه گرفته شده است و با در نظر داشت داده‌ها، برابری تحقیق بیانگر تروریست بودن گروه طالبان می‌باشد؛ اما، دیده می‌شود که تعامل دولت‌ها و بخصوص اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد با این گروه بر بنیاد اصول حقوقی نبوده است.

در اخیر، مطالعه‌ی این اثر پژوهشی برای فرد فرد نسل تحصیل‌کرده‌ی جامعه‌ی ما ضروری می‌باشد تا بدانند که طالب کیست. از خدای بزرگ برای جناب استاد شاکر حیات، کامگاری بیش‌تر در این راستا استدعا نموده، امیدواریم که شاهد خلاقیت‌ها و آفرینش‌های هرچه بیش‌تر علمی ایشان در آینده باشیم.

دکتر جمال‌الدین سینا دلیری

۱۸ سنبله ۱۴۰۱

مقدمه

طالبان گروهی اند که هم حکومت کردند و هم علیه حکومت‌ها جنگیدند، همیشه جنگ خود را مقدس دانسته و گروه خود را از جمله نهضت‌های آزادی‌بخش ملی معرفی کرده‌اند و افغانستان را اشغال شده می‌دانند. برعکس؛ حکومت افغانستان و دولت‌های متحد آن، طالبان را گاهی برادران ناراضی، گاهی گروه مزدور، گاهی گروه شورشی و گاهی گروه تروریستی می‌خوانند؛ چنین خطاب‌های غیرحقوقی، ابهام‌آمیز بوده است و نیاز به تحقیق دارد تا وضعیت حقوقی این گروه، طبق قواعد بین‌المللی مشخص و معلوم گردد. بناً، مسئله و سؤال مورد تحقیق این است که وضعیت حقوقی گروه طالبان از منظر حقوق بین‌المللی چیست؟ و ضمناً این گروه مشروعیت بین‌المللی دارد یا خیر؟ به‌منظور دریافت پاسخ مشروع و مبتنی بر قاعده‌های حقوقی، مشخصات گروه طالبان با مشخصات گروه‌های چهارگانه ضددولتی از منظر حقوق بین‌الملل و به‌ویژه کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن‌ها که در خصوص گروه‌های نظامی و قاعده‌مند شدن جنگ‌ها به تصویب رسیده است، به گونه‌ی مقایسه‌ی مورد بررسی قرار داده می‌شود تا معلوم گردد که با کدام گروه همخوانی و مطابقت دارد و با در نظر داشت داده‌های تحقیق، آثار حقوقی وارد بر این گروه مورد کنکاش قرار می‌گیرد که جامعه جهانی، طالبان را حمایت کند یا تحریم.

تحقیق حاضر شامل سه فصل می‌باشد که در فصل اول، نهضت‌های آزادی‌بخش ملی، گروه مزدور، گروه شورشی و گروه تروریستی به معرفی گرفته شده است. در فصل دوم، گروه طالبان بر بنیاد حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته تا معلوم گردد که مشخصات این گروه با کدام یک از گروه‌های چهارگانه مطابقت دارد و فصل سوم، پیرامون آثار حقوقی گروه طالبان می‌باشد که مسیر تعامل جامعه جهانی را با این گروه تعیین می‌کند، اینکه در سطح بین‌الملل حمایت شوند یا ممانعت.

تحقیق مزبور استوار بر ۶۰ منبع بوده و بر بنیاد روش مقایسه‌ای به پایه اکمال رسیده و با توجه به رویکرد کتابخانه‌ای و میدانی اطلاعات جمع‌آوری شده است. در زمان تحریر معیارهای آکادمیک و اصل بی‌طرفی رعایت گردیده و به دلیل شاهد صحنه بودن در بعضی جاها نظر و تجارب شخصی این قلم نیز ابراز شده است. ناگفته نماند که تحقیق، در ماه حمل سال ۱۴۰۰ قبل از حاکمیت طالبان تکمیل شده بود؛ ولی بنا بر بعضی ملاحظات در آن مقطع زمانی اقبال نشر نیافت. حالا که در آستانه یک‌سالگی حاکمیت طالبان قرار داریم، لازم دیدم که همگانی گردد و به‌خاطر غنای منابع تحقیق، بعضی از عملکردهای گروه طالبان از زمان حاکمیت دوم شان (۱۵ اگست ۲۰۰۱ الی اکنون) نیز به‌عنوان مثال تذکر رفته است و در مجموع اتمام تحقیق حاضر دو سال و شش ماه را در بر گرفت. در اخیر لازم می‌دانم که از مشورت جناب دکتر صاحب سینا دلیری، همکاری اساتید حقوق بین‌الملل و سایر دوستان که نظر به ملاحظات امنیتی از ذکر نامشان خودداری می‌گردد قلباً ابراز سپاس و امتنان نمایم.

با احترام

شاکر (حیات) ۱۸ سنبله ۱۴۰۱

فصل اول
مفاهیم و کلیات

مبحث اول: نهضت‌های آزادی‌بخش ملی و گروه تروریستی

در این مبحث نخست مفاهیم، جایگاه حقوقی، حقوق و تکالیف نهضت‌های آزادی‌بخش ملی و ثانیاً گروه تروریستی به معرفی گرفته می‌شود.

گفتار اول: نهضت‌های آزادی‌بخش ملی

نهضت از نهض گرفته‌شده به معنای خیزش و برخاستن و حرکت و آماده‌ی قیام است.^۱ در اصطلاح، نهضت آزادی‌بخش به گروهی گفته می‌شود که به‌خاطر آزادی کشور علیه استعمار، اشغال و نژادپرستی مبارزه خویش را مطابق پرنسیب‌های پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل به‌پیش می‌برد.^۲ نهضت‌های آزادی‌بخش ملی مبارزان قانونی هستند که شرایط و ویژگی‌های آن در پروتکل الحاقی شماره ۱ سال ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مشخص گردیده و یکی از تابعان حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد؛ مانند: نهضت آزادی‌بخش فلسطین.

الف: حقوق نهضت‌های آزادی‌بخش ملی

در حقوق بین‌الملل، برای نهضت‌های آزادی‌بخش، حقوقی مقرر شده است که به ترتیب ذیل شرح می‌گردد:

۱: مشروعیت توسل به‌زور

قطعنامه‌های متعددی در مورد مسئله رودزیا، آنگولا، موزامبیک و آفریقای جنوبی صادر شده است. اهمیت این قطعنامه‌ها که در اکثر موارد با تعداد آرای بسیار بالا از سوی شورای امنیت سازمان ملل به تصویب می‌رسد، این است که توسل به‌زور، توسط این نهضت‌ها را برای رهایی از یوغ استعمار و حکومت‌های نژادپرست به‌منظور تعیین حق سرنوشت مورد تأیید قرار می‌دهد. به همین سبب عده‌ای معتقداند که به‌تدریج شاهد شکل‌گیری استثنائاً جدیدی بر اصل عدم توسل به‌زور در روابط بین‌الملل که در منشور سازمان ملل جایگاه ویژه‌ای دارد، هستیم.^۳

بدین ترتیب نهضت‌های آزادی‌بخش ملی حق توسل به‌زور را دارند و علاوه‌برآن، اعضای نهضت‌هایی آزادی‌بخش که در حین مبارزه مسلحانه دستگیر می‌شوند باید بر اساس کنوانسیون سوم ژنو سال ۱۹۴۹ در خصوص اسرای جنگی با ایشان رفتار شود؛ یعنی اسیر نهضت‌های آزادی‌بخش به‌هیچ‌وجه به‌عنوان یاغی یا شورشی تلقی نخواهد شد و از حمایت‌های پیش‌بینی‌شده در این کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها بهره‌مند خواهند بود.

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، تهران، اشجع، چ ۴، ۱۳۸۸، ص ۱۵۱۲.

۲. ماده ۱ بند ۴ پروتکل الحاقی شماره ۱، ۱۹۷۷.

۳. جمشید، ممتاز، تروریسم و تفکیک آن از مبارزات آزادی‌بخش، تهران، مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، چ ۱، تابستان

۱۳۸۱، ص ۳۴.

۲: مشروعیت دریافت کمک‌های نظامی

از دهه ۱۹۷۰ به بعد، مجمع‌عمومی سازمان ملل، قطعنامه‌هایی برای تأیید مجدد مشروعیت مبارزات مردم برای آزادی از سلطه استعمار، اشغال خارجی و یا حکومت نژادپرست با هر وسیله‌ی ممکن را از جمله مبارزه مسلحانه تصویب کرد و شماری از قطعنامه‌های مجمع‌عمومی از دولت‌ها خواسته است که تمام اشکال همکاری (مادی و معنوی) را برای نهضت‌های آزادی‌بخش فراهم سازند. در قطعنامه شماره ۳۳۴۱ مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ معروف به قطعنامه (تعریف تجاوز) ماده ۷ علاوه بر به رسمیت شناختن حق ملل تحت ستم برای آزادی و استقلال برحق آن‌ها، در راه رسیدن به آن اهداف و دریافت پشتیبانی طبق اصول منشور سازمان ملل تأکید می‌کند؛^۱ اما در خصوص این‌که این حمایت و پشتیبانی شامل کمک‌های نظامی غیرمستقیم (ارسال سلاح) نیز می‌شود و یا مختص کمک‌های تبلیغاتی و سیاسی است، اختلاف نظر وجود دارد و نظریه مصوب این است که منع ارسال سلاح و مهمات و جلوگیری از حمایت‌های غیرمستقیم نظامی، قطعنامه‌های سازمان ملل و پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را لغو و بی‌معنا می‌کند؛ با این بیان که اگر مبارزات و جنگ‌های آزادی‌بخش ملی از جنگ‌های مشروع بین‌المللی باشد و حمایت از این مبارزان وظیفه دولت‌ها باشد و در حین حال فرستادن اسلحه را ممنوع کنیم، در واقع نهضت‌های آزادی‌بخش را در برابر حکومت‌های استعمارگر، اشغالگر، فاشیستی و آپارتاید، خلع سلاح کرده‌ایم و حق دفاع مشروع برای کسب استقلال و اعمال حق تعیین سرنوشت را از آنان سلب کرده‌ایم.^۲ ضمناً با توجه به قاعده مشروعیت توسل به‌زور توسط نهضت‌های آزادی‌بخش، دولتی که با این نهضت‌ها درگیر شده است، نمی‌تواند برای توجیه عملکرد خود به ماده ۵۱ منشور یعنی دفاع مشروع استناد کند.^۳

ب: تکالیف مربوط به نهضت‌های آزادی‌بخش ملی

یکی از مهم‌ترین تکالیف نهضت‌های رهایی‌بخش در حقوق بین‌الملل، اصل تفکیک یعنی لزوم رعایت جداسازی شهروندان غیرنظامی از نظامیان است که بر مبنای محدودیت طرف‌های درگیر در زیان رساندن و لطمه‌زدن به دشمن لازم است اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی و تفکیک میان نیروهای نظامی و جمعیت غیرنظامی مورد توجه طرف‌های درگیر قرار گیرد.

از آنجا که بر اساس پروتکل شماره ۱ سال ۱۹۷۷، با نهضت‌های رهایی‌بخش همانند دولت‌ها رفتار می‌شود؛ آن‌ها باید همانند دولت‌ها به تعهدات مندرج در این سند بین‌المللی گردن نهند و از جمله، مسئله بسیار مهمی که در ماده ۳۵ این پروتکل آمده، طریق درگیری در درگیری‌های مسلحانه، در انتخاب شیوه‌ها برای لطمه

۱. نصراللهی، مرتضی، حمایت از گروه‌های مخالف در حقوق بین‌الملل، چ ۱، قم، موسسه امام خمینی، ۱۳۷۸. ص ۹۲.

۲. همان ص ۹۸.

۳. ممتاز، پیشین، ص ۳۴.

و صدمه زدن به دشمن از آزادی کامل بهره‌مند نیستند؛ یعنی نهضت‌های رهایی‌بخش برای دستیابی به هدف نمی‌توانند به هر وسیله و ابزاری متوسل شوند.^۱

اینجاست که تفاوت نهضت‌های آزادی‌بخش با سازمان‌های تروریستی مشخص می‌شود زیرا سازمان‌های تروریستی خود را به هیچ قیدوبندی در توسل به زور محدود نمی‌دانند؛ اما نهضت‌های رهایی‌بخش مانند دولت‌ها برای خود محدودیت‌های قائل‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها قواعد مربوط به رعایت حقوق قربانیان بالقوه و تا بالفعل در درگیری‌های نظامی می‌باشد.^۲ مزید بر موارد ذکر شده، منع اعمال خشونت‌بار باهدف ارعاب و منع اقدام تلافی‌جویانه (مقابله‌به‌مثل) علیه غیرنظامیان نیز از جمله تکالیف این گروه محسوب می‌گردد.

گفتار دوم: گروه تروریستی

واژه تروریسم مأخذ فرانسوی دارد به معنای ترور است. این کلمه در زبان فارسی به شخصی اطلاق می‌گردد که با اسلحه، مرتکب قتل سیاسی شود.^۳ تروریسم اساساً پدیده‌ی سیاسی همراه با خشونت است و سعی دارد در جامعه ارعاب و ترس و وحشت ایجاد کند تا به اهداف سیاسی خود دست یابد.^۴ دانشنامه بریتانیکا، از تروریسم تقریباً تعریف مشابه را ارائه می‌دارد. "تروریسم عبارت از کاربرد سیستماتیک ارعاب با خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر برای دستیابی به یک هدف سیاسی است."^۵ همچنان وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۰-م از تروریسم تعریف بخصوص خود را ارائه کرده است؛ "تروریسم عبارت از کاربرد غیرقانونی یا تهدید به کاربرد زور با خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور ساختن حکومت‌ها به هدف دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی و یا ایدئولوژیک می‌باشد". بر اساس قواعد بین‌المللی چنین گروهی از هیچ نوع حقوقی برخوردار نبوده و ضمناً حق حاکمیت و حکومت‌کردن را ندارند.

به دلایل سیاسی و موجودیت بهانه در دست دولت‌ها به‌منظور استفاده از گروه تروریستی در راستای تحقق منافع خویش، تلاش شده بود و تا اکنون سعی بر آن دارند که در سطح بین‌الملل تعریف واضح و مشخص از تروریسم ارائه نگردد؛ ولی حادثات تروریستی باعث شد که بعضی دولت‌ها در قالب کنوانسیون‌های بین‌المللی از تروریسم تعریف دقیق‌تر ارائه نماید، شورای امنیت سازمان ملل متحد اعمال تروریستی را در قالب قطعنامه به معرفی گرفت و بر بنیاد اسناد موجوده، دکترین حقوق بین‌الملل توانستند که تعریف جامع و مشخصات گروه تروریستی را به معرفی بگیرند.

۱. همان، صص ۳۵-۳۶

۲. ممتاز، پیشین، صص ۳۷-۳۶

۳. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، تهران، اشجع، چ ۴، ۱۳۸۸، ص ۳۲۷.

۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، گنج دانش، چ ۲، ۱۳۹۲، ص ۵۸.

۵. The new cyclopedia Britannica.

الف: تعریف تروریسم

الکس پی اشمید، در سال ۲۰۱۱ کتابی نوشته است تحت عنوان "تروریسم". موصوف در کتاب خود صد نظریه دکترین را راجع به تعریف تروریسم جمع‌آوری کرده و بر مبنای تعاریف متعدد مشخصات اساسی تروریسم را تبیین نموده است و مزید بر آن ضیایی بیگدلی از جمله دکترین سرشناس حقوق بین‌الملل نیز تعریف مشابه‌ای از تروریسم را در کتاب خود چنین تحریر می‌دارد. "هر عمل خشونت باری که به نیت کشتار، ایجاد جراحت‌های شدید به افراد غیرنظامی، تخریب و انهدام اموال خصوصی و عمومی و به هدف ایجاد رعب و وحشت در میان مردم یا جماعتی از مردم و یا اجبار کشور یا یک سازمان بین‌المللی برای انجام فعل یا ترک فعل باشد، تروریسم تلقی می‌شود".^۱

ب: مشخصات گروه تروریستی

۱. عملکرد خلاف قواعد بین‌المللی و موازین بشری؛
۲. ایجاد ترس و وحشت در جامعه؛
۳. اجبار دولت‌ها به منظور فعل و یا ترک فعل؛
۴. داشتن هدف سیاسی به منظور رسیدن به قدرت حکومتی.^۲

مبحث دوم: گروه مزدور و گروه شورشی

در این مبحث، نخست گروه مزدور و ثانیاً گروه شورشی به معرفی گرفته می‌شود.

گفتار اول: گروه مزدور

از لحاظ واژه‌شناسی، مزدور فردی را گویند که صرفاً در مقابل دستمزد، خدماتی ارائه می‌دهد.^۳ در فرهنگ معین مزدور را شخصی معرفی می‌کند که در مقابل کارش مزد می‌گیرد.^۴ اما در اصطلاح حقوق بین‌الملل مزدور به سربازی اطلاق می‌گردد که خدمات نظامی‌اش را به بیگانگان در مقابل دریافت مزد و بدون توجه به اصول سیاسی و مقررات حقوقی ارائه می‌دهد؛^۵ به بیان دیگر، مزدور کسی است که از طرف کشور متبوع خود مأموریت

۱. ۲۰۱۱، Routledge handbook of terrorism research, written by Alex P.Schmid. published by Taylor and Francis.

ضیایی بیگدلی، پیشین، ص ۵۸.

۲. بیگدلی، محمد رضا، پیشین، ص ۵۸.

۳. <https://www.vajahyab.com>

۴. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، تهران، اشجع، چ ۴، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹۸.

۵. پروتکل اول ضمیمه‌ی میثاق‌های ژنو، ۸ جون ۱۹۷۷، ماده ۴۷.

نیافته است؛ اما به خدمت گرفته شده که در یک جنگ مسلحانه شرکت کند و محرک اصلی او منفعت مادی باشد و سهم مستقیم در جنگی می‌گیرد بدون این‌که تابعیت هیچ‌یک از طرفین را داشته باشد.^۱

در ادبیات انگلیسی برای مزدور واژه‌ی Mercenary به کار می‌رود که برگرفته از واژه لاتین Mercenarius است و برای مزدوری واژه Mercenaryism استفاده می‌گردد. در فرهنگ حقوقی بلک، مزدور، این‌گونه تعریف شده است: سربازی حرفه‌ای که توسط شخصی غیر از دولت خودش برای مبارزه در یک کشور خارجی استخدام می‌شود.^۲

استفاده از نیروی نظامی بیگانه در جنگ‌ها، قدامتی برابر با تاریخ خود جنگ دارد. تاریخ حقوق مخصصات نشان می‌دهد، فراخواندن بیگانه به مقاصد نظامی مدت‌ها روشی معمول و کاملاً مقبول بوده و تا زمانی که بیداری و تحکیم احساسات ملی آن را متروک گردانیده، ادامه داشته است.^۳ اگرچه در ابتدا به افراد بیگانه‌ای که در ارتش سایر دولت‌ها خدمت می‌کردند مزدور نمی‌گفتند؛ اما تاریخ گواه آن است که استفاده از نیروهای بیگانگان از عهد عتیق متداول بوده است.^۴ استفاده از نیروهای بیگانه توسط شول ژئی^۵ پادشاه دوم سلسله سومی، از موارد بسیار قدیمی کاربرد مزدور در نبردها بوده است.^۶ در مصر باستان، به دلیل این‌که اشراف و کاهنان قدرت روزافزونی داشتند،^۷ فرعون‌های مصر، ناگزیر بودند حمایت بازرگانان و مزدوران را به خود جلب کنند. رامسس دوم ارتشی را رهبری می‌کرد که شامل مزدوران نومیديا از منطقه‌ی جنوب آفریقا بود و این مزدوران در نبرد کادش با پادشاه، در سال ۱۲۸۸ ق.م در کنار رود اورونتس (رودی در سوریه که امروزه به آن نهرالعاصی می‌گویند)، مورد استفاده قرار گرفتند، علاوه بر آن، بسیاری از دولت‌شهرهای یونان باستان، از جمله اسپارت، برای پاسداری از خود متکی به مزدوران به‌عنوان نیروی کمکی بودند و یک‌سوم ارتش اسکندر در زمان حمله به ایران در سال ۳۳۴ ق.م، از مزدوران تشکیل شده بود. مشهورترین و شاید قدیمی‌ترین نیروی که می‌تواند به‌عنوان مصداق مزدور معرفی کرد، گارد سویسی مستقر در واتیکان است. این نیرو، از قرن پانزدهم میلادی تاکنون به‌عنوان نیروی محافظ پاپ و مکان‌های زیرمجموعه وی خدمت کرده است.^۸

۱. طارق، محمد اعظم، حقوق جنگ، رسالت، کابل، چ اول، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱.

۲. Oxford Dictionary of Law, M.A. Elizabeth and L. Jonathan (eds.), Oxford University Press, ۲۰۰۶, p.۳۴۰.

۳. کراری، مزدوری "Lemercenariat"، ترجمه علی هنجنی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۲۴۱. این مقاله ترجمه فصل سی و ششم با عنوان از مأخذ ذیل است: Decause, E. ET Pellet, A. ed. Pedone, A. Droit international Penal, CEDIN Paris x, sous la direction de Herve ASCENSIOM, Paris, ۲۰۰۰, pp ۴۶۷-۴۷۵.

۴. Morton, S. Jeffry and Presley, Jones, "The legal Status of Mercenaries", Policy and Politics, Vol.۳, No, ۴, ۲۰۰۲, p. ۶۲۵.

۵. King Shoulgi of Ur

۶. Singer, P.W. Corporate Warriors: The Rise of Privatized Military Industry, Cornell University Press, ۲۰۰۸, p.۲۰.

۷. کراری، پیشین، ص ۱۴۱...

۸. طارق، پیشین، ص، ۱۴۲.

در قرن بیستم مزدور نیز وجود داشته است و به چند دلیل عمده می‌توان گفت که پدیده‌ی مزدوری پس از پایان جنگ سرد تقویت گردید. اول مخاصمات غیر بین‌المللی و نبرد برای استقلال با زوال بسیاری از نظامیان همراه شده و استفاده از مزدور در مخاصمات برای ثبات رژیم‌ها به یک الزام تبدیل شده بود. دوم کاهش جهانی در تعداد افراد نظامی در قدرت‌های بزرگ منجر به کاهش قابل توجه نیروهایی شده بود که در عرصه‌ی بین‌المللی به مخاصمه می‌پرداختند. سوم عدم تمایل دول غربی به مداخله در مخاصمات جهان سوم که در پی مشکلات مداخله‌ی بشردوستانه در سومالی آشکار شد، در حقیقت فقدان کمک‌های دول غربی باعث شد دول آفریقایی تحت فشار، از مزدور استفاده نمایند، حتی دولت‌های که تمایل داشتند در مخاصماتی که در آفریقا در جریان بود مداخله نمایند، به‌جای سربازان خودی، از مزدوران کمک می‌گرفتند. چهارم مسئله‌ی جهانی شدن که به‌منظور توسعه‌ی استخراج منابع ملی مثل نفت در نیجریه و الماس در سیرالئون، دولت‌ها از شرکت‌های چندملیتی کمک می‌گرفتند و شرکت‌های مذکور نیز برای حمایت از پرسنل، تجهیزات و سرمایه و همچنین تأمین امنیت منابع ملی تحت امانت از مزدوران کمک می‌گرفتند^۱ و در قرن ۲۱ شاهد ظهور شکل جدیدی از فعالیت‌های مزدوران در قالب شرکت‌های نظامی و امنیتی و گروه‌های جنگی هستیم؛ مانند، گروه فاطمیون در سوریه که از افغانستانی‌ها به نفع دولت ایران استفاده می‌گردید، شرکت بلک واتر آمریکایی با استخدام بیگانگان در عراق به نیابت از دولت ایالات متحده آمریکا می‌جنگید و همین‌طور شهروندان چین، ازبکستان، پاکستان، عرب که تحت نام طالب علیه حکومت مجاهدین (مقاومت اول) می‌جنگیدند و همچنین جنگ خود را علیه حکومت جمهوری پسا معاهده بن ادامه دادند و اکنون نیز علیه مقاومت دوم به‌صورت پنهانی می‌جنگند.

الف: قواعد بین‌المللی حاکم بر گروه مزدور

پروتکل الحاقی شماره ۱ مصوب ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و کنوانسیون پنجم لاهه مبین نخستین تلاش برای تدوین حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه استفاده از مزدور است. این کنوانسیون که در پی تبیین حقوق و تکالیف دول بی‌طرف در قبال دول متخاصم در خلال مخاصمه است به مسئله‌ی کار نیروی داوطلب نیز می‌پردازد. این کنوانسیون بین‌المللی به‌کارگیری مؤثر داوطلبان توسط دولت در داخل سرزمین خود و اعمال شهروندانی که با رضایت خود به استخدام ارتش بیگانه درآمده‌اند تفکیک قائل شده است. به طور خاص ماده ۴ این کنوانسیون دولت بی‌طرف را از تأسیس مراکز، به‌کارگیری داوطلبان در داخل سرزمین خود و افزایش نیروهای مسلح به نفع یکی از طرفین درگیر در مخاصمه منع می‌نماید.^۲

^۱ در سیرالئون، ریال دولت این کشور برای مقابله با شورشیان موسوم به جبهه‌ی متحد انقلابی از مزدوران در قالب دو شرکت نظامی خصوصی (Sand line Executive Outcomes) کمک گرفت.

^۲ ماده‌ی ۴ کنوانسیون پنجم لاهه: تشکیل گروه‌های مبارز و تأسیس مراکز استخدام نیروهای داوطلب در منطقه‌ی بی‌طرف برای کمک به نیروهای متخاصم ممنوع است. Convention Respecting the Rights and Duties of Neutral Powers and Persons in Case of. War on Land,

Oct. ۱۸, ۱۹۰۷, ۳۶ Stat. ۲۳۱۰, T.S. No. ۵۴۰ [Hague V

ب: قطعنامه‌های مجمع‌عمومی و شورای امنیت ملل متحد پیرامون منع مزدوری

پس از تصویب منشور، مجمع‌عمومی سازمان ملل متحد به‌ویژه نهادهای مرتبط با آن مانند کمیساری‌های عالی حقوق بشر به مسئله مزدوری توجه فراوان نموده‌اند. بالغ‌بر صد قطع‌نامه صادره مجمع‌عمومی وجود دارد که پدیده مزدوری را موردتوجه قرار داده است. مجمع‌عمومی ملل متحد به‌اتفاق آراء، قطع‌نامه ۳۱۳۱ مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ تحت عنوان اعلامیه عدم پذیرش مداخله در امور داخلی دولت‌ها و حمایت از استقلال و حاکمیت دولت‌ها را صادر نموده و چه‌طور تلویحی دولت‌ها را از استخدام، سازمان‌دهی، تأمین مالی یا ارسال مزدور برای مداخله در امور داخلی کشور دیگر منع کرده است.^۱ مجمع‌عمومی در قطع‌نامه ۲۶۲۵ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۶۸ اعلام داشت: «مزدوران خود جنایتکار و متمرّد از قانون هستند». ^۲ در قطع‌نامه ۲۴۶۵ تلاش شده است استفاده از مزدور مخالف جنبش‌های آزادی‌بخش و استقلال ملی تلقی شود، این قطع‌نامه در پاراگراف ۸ خود از دولت‌ها می‌خواهد برای جلوگیری از چنین پدیده‌ای قوانین لازم داخلی وضع کنند و استخدام، تأمین مالی و تعلیم مزدور را جرم‌انگاری نمایند. در قطع‌نامه ۳۱۰۳ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۷۳ مجمع‌عمومی بار دیگر پدیده‌ی مزدوری را در دوران پس از استعمار موردتوجه قرار می‌دهد و در ماده ۵ خود استفاده از مزدور توسط رژیم‌های نژادپرست و استعماری را علیه جنبش‌های آزادی‌بخش ملی که برای آزادی و استقلال خود مبارزه می‌نمایند، عمل کیفری تلقی کرده باید مجازات گردند. در قطع‌نامه‌ی (تعریف تجاوز) ۳۳۱۴ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ نیز در بند ۷ ماده ۳ اعزام دسته‌ها، نیروها، گروه‌های نامنظم یا مزدوران مسلح توسط یا از جانب یک دولت به‌منظور انجام عملیات مسلحانه علیه دولتی دیگر از مصادیق تجاوز تلقی شده است.

گفتار دوم: گروه شورشی

گروه شورشی یا *Insurgency* از اسم شورش گرفته شده به معنای جنگ و اغتشاش است و در اصطلاح عبارت از یک جنگ نظامی به‌منظور فروپاشی و یا تضعیف مشروعیت حکومت قانونی و یا حکومت گرفته‌شده با کودتا و در کل غیرقانونی می‌باشد.^۳ به لحاظ هدف گروه‌های شورشی به انواع گوناگون تقسیم‌شده‌اند ولی بنا بر اهمیت و کاربرد آن‌ها در تحقیق حاضر، صرف دو نوع آن انتخاب شده است که هر یک به‌طور مفصل شرح می‌گردد:

^۱. G.A. Res. ۲۱۳۱, U, N. GAOR. ۲۰th Sess. Supp. No. ۱۴, at ۱۱, N. Doc. A/۶۰۱۴ (Dec. ۲۱, ۱۹۶۵).

^۲. کراری، پیشین، ص ۲۴۳.

^۳. [file:///C:/Users/shayat/Downloads/V1۳۵۹۹٪۲۰\(۳\).pdf](file:///C:/Users/shayat/Downloads/V1۳۵۹۹٪۲۰(۳).pdf), guide to the analysis of insurgency ۲۰۱۲, published by the us government.

الف. شورشی اصلاح طلب

گروه شورشی اصلاح طلب هدفشان تغییر سیاست کلی حکومت نبوده؛ بلکه به دنبال وادار کردن حکومت به ایجاد اصلاحات در عرصه سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشند، معمولاً چنین گروهی مبارزات خویش را از راه مسالمت‌آمیز تعقیب نموده و با برپایی تظاهرات و انتقاد اکتفا می‌نمایند.

ب. شورشی تجارتي

این گروه در صدد تحصیل ثروت و منابع اقتصادی هستند و قدرت سیاسی را ابزاری برای رسیدن به ثروت و کنترل ثروت می‌دانند. چنین گروهی با جنگ‌های نظامی به دنبال باج‌گیری از حکومت و سرمایه‌داران می‌باشند و سعی می‌نمایند که جغرافیای عایداتی را در کنترل داشته باشند؛ مانند بنادر اقتصادی، معادن، جنگلات و غیره.

فصل دوم

وضعیت حقوقی گروه طالبان از منظر حقوق بین‌الملل

به‌منظور دریافت ماهیت حقوقی گروه طالبان، در این فصل، عملکرد و مشخصات گروه طالبان با مشخصات گروه‌های چهارگانه نظامی ضددولتی مطابقت داده می‌شود تا واضح گردد که مشخصات این گروه با کدام گروه نظامی همخوانی دارد.

مبحث اول: بررسی مشابهت گروه طالبان با نهضت‌های آزادی‌بخش ملی از منظر حقوق بین‌الملل

گروه‌های آزادی‌بخش ملی از جمله تابعان حقوق بین‌الملل محسوب شده^۱ و بر اساس یک معیار بین‌المللی و منطق کلان، شکل می‌گیرند و به همین دلیل فعالیت این گروه، مشروع دانسته شده است. در اشغال قرارگرفتن کشور و موجودیت حکومت نژادپرست دلایل اساسی شکل‌گیری این نهضت‌ها تلقی می‌گردد.^۲ شرایطی که در ماده ۱ پروتکل شماره ۲ الحاقی ۱۹۷۷ در خصوص نهضت‌های آزادی‌بخش ملی پیش‌بینی شده، دست‌کم پنج مورد می‌باشد که هر یک به‌صورت اختصار بیان می‌گردد:

- تحت اشغال قرار داشتن سرزمین؛
 - موجودیت رهبر پاسخگو به مردم و جامعه بین‌المللی؛
 - داشتن توانایی اجرای کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن؛
 - داشتن یونیفرم خاص؛
 - به‌منظور عملیات نظامی قسمتی از سرزمین مورد ادعا را تحت کنترل داشته باشد.^۳
- با توجه به شرایط فوق پرسش این است که آیا گروه طالبان شرایط نهضت‌های آزادی‌بخش را دارا هستند که طالبان را از جمله گروه‌های آزادی‌بخش ملی محسوب نماییم؟ به‌منظور دریافت پاسخ، اول؛ بر اساس قواعد بین‌المللی تعریف می‌گردد که اشغال نظامی چیست و آیا افغانستان اشغال شده است؟ دوم؛ عملکرد، سوم؛ سطح رهبری و در اخیر یونیفرم گروه طالبان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

گفتار اول: اشغال

اشغال نظامی عبارت از در کنترل گرفتن مؤقت قلمرو کشور بیگانه توسط قدرت حاکم بدون این‌که ادعای حاکمیت رسمی بر سرزمین جدید داشته باشد، قلمرو به‌عنوان قلمرو اشغال‌شده و کشور حاکم به‌عنوان اشغال‌کننده محسوب می‌گردد.^۴ ضمناً اشغال را تجاوز نیز می‌گویند و تجاوز نظامی به گروه نظامی اطلاق

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش، ج ۲، ۱۳۹۲، ص ۳.

۲. ماده ۱ بند ۴، پروتکل شماره ۱ کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۷۷.

۳. ضیایی بیگدلی، پیشین، صص، ۸۷-۸۹.

۴. http://en.wikipedia.org/wiki/military_occupation.

می‌گردد که به‌صورت تجاوزکارانه و زور به قلمرو کشور دیگری وارد شود.^۱ تجاوز می‌تواند به اشکال مختلف صورت گیرد؛ مانند تجاوز ارضی، تجاوز دریایی و تجاوز هوایی.^۲

بعد از شکل‌گیری سازمان ملل متحد و بنابر قطعنامه‌های بین‌المللی بعضی اوقات حضور نظامی کشورهای بیگانه مشروعیت بین‌المللی داشته تجاوز محسوب نمی‌گردد، به همین سلسله اگر دولتی مکرراً به‌صورت فاحش و گسترده حقوق بشری شهروندان خود را نقض نماید بر بنیاد طرح مسئولیت حمایت نیروی نظامی آیساف حق حضور می‌یابد. از طرف دیگر هرگاه سازمان ملل و بخصوص شورای امنیت سازمان ملل به دلایلی و یا در تفاهم با حکومتداران دولت متبوع، امر حضور نظامی را صادر نمایند چنین حضوری نیز اشغال محسوب نمی‌گردد.^۳

حالا که منظور از تجاوز معلوم شد، دیده شود که نیروهای آمریکایی، آیساف و پیمان نظامی ناتو به افغانستان تجاوز کردند یا طبق میثاق‌ها و معاهدات بین‌المللی به رضایت دولت‌مداران افغانستان در افغانستان حضور یافتند؟

الف: کنفرانس بن ۲۰۰۱

قبل از برگزاری معاهده بن، جنگ، قتل، اعدام افراد در محضر عام، قطع دست و به نمایش گذاشتن آن در اماکن مزدحم شهر، فقر اقتصادی، تبعیض نژادی، زبانی، مذهبی ... و غیره باعث شده بود که تعداد کثیری از مردم کشور را ترک کنند و به کشورهای خارجی پناه ببرند. هرچند به لحاظ زمانی در قرن بیستم زندگی می‌نمودیم، ولی؛ نحوه زندگی، وضعیت سیاسی و مشکلات اجتماعی افغانستان طوری بود که گویا در قرون وسطی قرار داشته باشیم و بیان آن وضعیت خارج از توصیف با قلم است. حادثه ۹ سپتامبر سال ۲۰۰۱ که سوءقصد به جان قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود انجام شد باعث ناامیدی کامل و یاس شهروندان گردید؛ اما حادثه دو روز بعد آن (۱۱ سپتامبر) که در ایالات متحده آمریکا صورت گرفت، همه معادلات سیاسی و اجتماعی افغانستان را دگرگون ساخت. هرچند حادثه ۱۱ سپتامبر در نوع خود جنایت علیه بشریت و برای هر انسان باوجدان غیرقابل قبول بود مگر این حادثه دلیلی شد برای رهایی مردم افغانستان از استبداد و وحشت طالبانی و کنفرانس بن به یک شانس طلایی برای مردم غم‌دیده کشور مبدل گشت. پیوسته به حمله تروریستی به آمریکا شورای امنیت سازمان ملل متحد به تاریخ ۲۷ اکتبر ۲۰۰۱ مجوز حمله نظامی و مستقر شدن نیروهای خارجی را به افغانستان صادر نمود و در بعد داخلی کنفرانس بن به تاریخ ۵ دسامبر سال ۲۰۰۱ به هدف بیرون راندن طالبان

^۱. <http://en.wikipedia.org/wiki/invasion>.

^۲. Occupation and other forms of administration of territory, IRC, March ۲۰۱۲.

^۳. united nation General assembly resolution ۳۳۱۴ and responsibility to protect ۲۰۰۵.

و ایجاد حکومت جدید برای افغانستان به امضا رسید.^۱ اینکه اطراف کنفرانس بن کی‌ها بودند و دولت‌های ناظر کدام‌ها بودند. مواردی است که در لابه‌لای این گفتار به آن پرداخته می‌شود.

۱: جناح‌های داخلی

هرچند از طرف یک دولت یک هیئت به‌منظور عقد معاهده حضور می‌داشته باشد؛ ولی هیئت دولت افغانستان به دلایل جنگ و سهم‌گیری اکثریت بزرگان سیاسی افغانستان، چهار جناح به نمایندگی از دولت افغانستان در کنفرانس بن حضور داشتند که به‌عنوان طرف‌های اصلی موافقت‌نامه محسوب می‌شوند. هر یک از جناح‌ها به‌صورت مختصر به معرفی گرفته می‌شود.

• جبهه متحد ملی افغانستان (جبهه مقاومت)

تیمی که از داخل افغانستان به کنفرانس بن اشتراک نموده بودند متشکل از آقای یونس قانونی، احمد ولی مسعود، حاجی قدیر، عارف نورزی، میرویس جلیل پسر امیر اسماعیل خان، همایون تندر، سید حسین انوری، محمد ناطقی، سید مصطفی کاظمی، عبدالله وردک، مصطفی جواد، جنرال پاینده، اعظم دادفر، عباس کریمی، استاد حق‌بین و آمنه افضلی بودند،^۲ این تیم شامل اکثریت اقوام افغانستان می‌شد که بر ضد طالبان و حامیان خارجی‌شان می‌رزمیدند.

• شورای روم، قبرس و پاکستان

عبدالستار سیرت، عزیز الله لودین، دکتر جلیل شمس، امین فرهنگ، خانم سیما ولی، جنرال عبدالرحیم وردک، هدایت امین ارسلا، انجنیر عبدالحکیم و حفیظ‌الله محسنی از جمله اعضای شورای روم بودند.^۳ همین‌طور همایون جریر و پاچا خان زدران به نمایندگی از شورای قبرس به رهبری حکمتیار و سید حامد گیلانی به نمایندگی از شورای پاکستان و حزب پیر سید احمد گیلانی در کنفرانس حضور داشتند.^۴

۲: جناح‌های خارجی

در این کنفرانس سازمان ملل و دولت‌های منطقه و فرمانطقه‌ای به‌عنوان شاهد و ناظر حضور داشتند که هر یک به‌صورت جداگانه به معرفی گرفته می‌شود.

• سازمان ملل متحد

سازمان ملل به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی مسئولیت به انجام رساندن کنفرانس و ایجاد نهادهای جدید دولتی را به عهده گرفت و از همین رو به نمایندگی از کشورهای آمریکایی و اروپایی وارد گفتگو با جناح مقاومت گردید. هرچند در کنفرانس بن از نماینده سازمان ملل متحد به‌عنوان شاهد تذکر رفته است؛ ولی واقعیت امر چنین

۱. کنفرانس بن، مقدمه، ص ۱، ۲۰۰۱.

۲. عارف، سروری، ۹ و ۱۱ سپتامبر، (کابل، همایون، چ اول، ۱۳۸۸)، ص ۵۵.

۳. همان، ص ۵۶.

۴. حیات، شاکر، مسئولیت بین‌المللی سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا در قبال معاهده بن ۲۰۰۱، ص ۵۵، ۱۴۰۱.

نیست،^۱ و نظر به قواعد بین‌المللی طرف موافقت‌نامه محسوب می‌گردد؛ چون رضایت خود را به التزام در قبال تطبیق موافقت‌نامه اعلام کرده است.^۲ علاوه بر آن سازمان ملل متحد مسئول اصلی و درجه‌یک تأسیس قوه سه‌گانه با همه ابعاد حقوقی آن از جمله انتخابات می‌باشد.^۳

سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا کنفرانس ۹ روزه‌ای را تحت عنوان کنفرانس بن از تاریخ ۲۷ نوامبر ۲۰۰۱ الی ۵ دسامبر ۲۰۰۱ با حضور داشت گروه‌های داخلی افغانستان تشکیل نمودند. این کنفرانس یک برنامه دونیم ساله را با اهداف اساسی و ایجاد نهادهای دموکراتیک به امضا رسانید که نخستین هدف از این کنفرانس، تأسیس حکومت مؤقت، دومین آن برگزاری لویه جرگه اضطراری به منظور تعیین رئیس حکومت انتقالی و متعاقب آن انتخابات پارلمانی و لویه جرگه قانون اساسی برای افغانستان می‌باشد.

• کشورهای ناظر بر کنفرانس بن

دولت ایالات متحده آمریکا، انگلستان، روسیه، آلمان، چین، ازبکستان ایران و پاکستان از جمله دولت‌های ناظر بر کنفرانس بودند. در میان دولت‌های یادشده، ایالات متحده آمریکا به خاطر متضرر بودن در قضیه نسبت به سایر دولت‌ها تأثیرات بیشتر بر کنفرانس بن داشت و گاهی فراتر از سازمان ملل متحد عمل می‌نمود؛ ولی سایر دولت‌ها تأثیرگذاری‌شان بر کنفرانس بن چندان چشمگیر نبوده است.

آنچه که در اینجا مهم است باید گفته شود، در عصر جهانی شدن، تجاوز از جمله موضوعات حقوق بین‌الملل می‌باشد. تمامی اعضای سازمان ملل متحد که افغانستان جز آن هست، پذیرفته اند که چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح از قواعد بین‌المللی پیروی نموده و معیارهای بین‌المللی را مبنای عملکرد خود قرار دهند. خوشبختانه در تحقیق حاضر، همین قواعد بین‌المللی مبنای بررسی حضور نظامیان ایالات متحده آمریکا، ناتو و قوای ایساف در افغانستان قرار گرفته است.

با توجه به موارد فوق نتیجه گرفته می‌شود اینکه؛ در بعد خارجی قوای نظامی یاد شده مجوز حضور خود را از قطعنامه شماره ۱۳۷۸ مورخ ۲۷ اکتبر ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد و کنفرانس بن اخذ نمودند؛ بنابراین حضور کشورهای خارجی در افغانستان از مشروعیت بین‌المللی برخوردار بوده و در بعد داخلی به تاریخ ۱۴ جوزای ۱۳۹۷ بیش از یک هزار روحانی در خیمه لویه جرگه افغانستان جمع شدند و با یکصدا جنگ طالبان علیه حکومت را حرام دانستند^۴ و پیوسته به آن کنفرانس کشورهای اسلامی که متشکل از ۵۷ کشور

۱. کنفرانس بن، بخش اول، ماده پنجم، بند ششم. ۲۰۰۱.

۲. ضیایی، بیگدلی، محمدرضا، حقوق معاهدات بین‌المللی، تهران، گنج دانش، چ ۳۶، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶.

۳. کنفرانس بن، پیشین، ضمیمه دوم، بند ۲.

۴. فارسی [BBC News](http://www.bbcnews.com) - علمای افغانستان: طرفین جنگ آتش بس اعلام کنند.

اسلامی می‌باشد جنگ و برادرکشی گروه طالبان را ناروا خواندند.^۱ پس حضور کشورهای خارجی در افغانستان هم از مشروعیت داخلی برخوردار بود و هم از مشروعیت بین‌المللی.

گفتار دوم: داشتن رهبری واحد و پاسخگو

گروه طالبان به چندین دسته تقسیم‌بندی شده‌اند. یک گروه آن بنام گروه ملا رسول، گروه دیگر آن بنام طاهر یولداس از ازبکستان مستقر در ولایت فاریاب، دیگر آن تحت رهبری ملا هبت الله که اکنون در مذاکره با نماینده ایالات متحده آمریکا و نمایندگان حکومت افغانستان بسر می‌برند، گروه طالبان وابسته به شبکه حقانی، تحریک طالبان پاکستان (علیه پاکستان می‌جنگند) و همین‌طور ۲۴ گروه تروریستی با ۵۰ تا ۷۵ هزار نیروی نظامی و ۸۵ رهبر وجود دارد، علیه افغانستان می‌جنگند.^۲ در حین زمان با همدیگر مخالفانند یعنی در کل گروه طالبان رهبری واحد ندارد. ولی در این اواخر صرف گروه وابسته به ملا هبت الله به نمایندگی از گروه طالبان موافقت‌نامه دوحه را با خلیلزاد در حضورداشت وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا امضا کردند که خود وحدت رهبری گروه طالبان را به نمایش گذاشت مگر ملا هبت الله تا به اکنون دیده نشده است و در تحقیق‌های آکادمیک امکان ندارد که چنین شخص غایب را به‌عنوان رهبر گروه پذیرفت.

امارت اسلامی به‌عنوان یک ساختار سیاسی نزد طالبان جنبه دینی و معنوی دارد و امیر، امارت را یک شخص واجب‌الاحترام غیرمسئول و سایه خداوند در روی زمین می‌پندارند. در این نوع نظام مردم نزد امیر و نزد امارت مسئول می‌باشند و برعکس امیر نزد شهروندان هیچگونه مسئولیتی ندارد. به همین دلیل ملا عمر از دید مردم غایب بود و همین‌طور ملا هبت الله را تا به اکنون کسی ندیده است. مثلاً: در عید فطر سال ۱۴۰۰ گفته شد که ملا هبت الله نماز عید را در قندهار امامت کرد؛ ولی به مردم نشان داده نشد؛ یعنی امامت غیابی کرده است.

با توجه به موارد ذکرشده، اول؛ موجودیت رهبر گروه طالبان قابل اثبات نمی‌باشد و دوم؛ رهبر این گروه نزد شهروندان و جامعه جهانی پاسخگو نیست؛ بنابراین، مشخص می‌گردد که هیچ‌گونه مشابهتی میان رهبری گروه طالبان و رهبری نهضت‌های آزادی‌بخش ملی وجود ندارد.^۳

۱. afghanirca.com) آیا نشست علمای دینی در عربستان جنگ را در افغانستان متوقف می‌کند؟

۲. <https://www.google.com/amp/s/avapress/fa/amp/۱۱۲۸۲۸/>

۳. [طالبان می‌گویند نماز عید به امامت رهبرشان در مسجد عیدگاه قندهار برگزار شده است](http://afintl.com) (afintl.com)

گفتار سوم: عملکرد طبق قواعد بین‌المللی

یکی از ویژگی‌های نهضت‌های آزادی‌بخش ملی رعایت نمودن قواعد بین‌المللی با اسیران جنگی، افراد غیرنظامی، محاسن سفیدان، زنان و طفلان می‌باشد. علاوه بر آن احترام گذاشتن به ارزش‌های انسانی، منع ارتکاب جرایم ضد بشری و جرایم جنگی جز اصول سازمانی این گروه محسوب می‌شود. با توجه به موارد فوق، دیده شود که گروه طالبان نیز از چنین ویژگی‌هایی برخوردار استند یا خیر؟

قبل از همه، مصادیق جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی به معرفی گرفته می‌شود و در مرحله بعد عملکرد گروه طالبان با مصادیق ذکرشده مطابقت داده می‌شود تا هدف تحقیق حاصل گردد. لہذا، اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری آنچه را به‌عنوان جرایم ضدبشری و جرایم جنگی بیان کرده یک‌به‌یک تذکر می‌یابد.

- کشتار عمدی؛
- شکنجه یا هرگونه رفتار غیرانسانی؛
- حبس غیرقانونی اشخاص؛
- گروگان‌گیری؛
- هتک کرامت فردی، به‌ویژه رفتار تحقیرآمیز و اهانت‌بار؛
- کشتن یا مجروح کردن رزمنده‌ای که سلاح خود را بر زمین گذاشته یا وسیله‌ای برای دفاع ندارد و به اختیار خود تسلیم‌شده است؛
- فراهم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامتی انسان؛
- واداشتن اسیران جنگی یا دیگر اشخاص مورد حمایت به خدمت در نیروهای نظامی یک طرف متخاصم؛
- محروم کردن عامدانه اسیران جنگی یا دیگر اشخاص مورد حمایت از حق دادرسی منظم، منصفانه، قانونی و بی‌طرف؛
- هدایت عمدی حملات علیه کارکنانی که در خدمت کمک‌های بشردوستانه یا مأموریت‌های حفظ صلح به‌موجب منشور سازمان ملل متحد به کار گرفته می‌شوند؛
- آغاز عمدی یک حمله با علم به این‌که چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی یا صدمات جسمانی به افراد غیرنظامی خواهد شد.
- استفاده از حضور غیرنظامیان یا دیگر اشخاص تحت حمایت برای مصئون نگه‌داشتن نقاط، مناطق یا نیروهای نظامی مشخص و متمایز از عملیات نظامی؛
- گرسنه نگه‌داشتن عمدی غیرنظامیان به‌عنوان یک روش جنگی از طریق محروم کردن آنان از موادی که برای بقایشان ضروری است، ازجمله ایجاد مانع عمدی بر سر راه کمک‌های امدادی مقرر در عهدنامه‌های ژنو؛

- فراخوان کودکان زیر ۱۵ سال به خدمت در نیروهای مسلح ملی یا ثبت‌نام از میان داوطلبان این سنین برای عضویت در نیروهای فوق یا به‌کارگرفتن آنان جهت مشارکت فعالانه در درگیری‌ها؛
- اقدامات مقابله‌به‌مثل علیه اشخاص و اموال مورد حمایت.

حالا که مصادیق جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی مشخص شد، دیده شود که رفتار گروه طالبان چگونه بوده است. شواهد و مدارک دولتی، نهادهای تحقیقاتی، جامعه مدنی، مطبوعات و چشم دید شهروندان افغانستان و حتی کشورهای خارجی بیانگر ارتکاب جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی گروه طالبان می‌باشد. هرچند جزئیات بسیار است؛ ولی با چند نمونه آن اکتفا می‌نماییم:

نخست؛ ترور احمد شاه مسعود، استاد برهان‌الدین ربانی، عبدالعلی مزاری، حاجی عبدالحق، حاجی عبدالقدیر وزیر فواید عامه، داود داود، سید مصطفی کاظمی از جمله نمونه‌های بارز ترور گروه طالبان می‌باشد که در سطح رهبری انجام شده است، ترور یوسف رشید رئیس مرکز انتخاباتی فیفا،^۱ ترور عبدالرازق اچکزی قوماندان امنیه اسبق قندهار، حمله بر ریاست رجال برجسته ملی که در حدود صد نفر کارمندان این ریاست در یک روز و در یک حادثه به قتل رسیدند که در ذات خود کلان‌ترین جنایت جنگی محسوب می‌گردد.^۲

دوم اینکه: جنایات جنگی طالبان از حد یک تحقیق فراتر رفته؛ زیرا معمولاً اتفاق می‌افتد؛ مانند حمله‌ای که به تاریخ اول حوت ۱۳۸۹ در کابل بانک ولایت ننگرهار صورت گرفت در حدود چهل تن کشته شد که این حمله یکی از خونین‌ترین و خشن‌ترین صحنه‌های ویدیویی را در خود دارد که به‌هیچ‌وجه رحمی به افراد ملکی نکرده و علاوه بر آن بانک با تمام داروندارش حریق می‌گردد.^۳ همین‌طور طالبان دستان اسرای جنگی را در عقب بسته نموده و تیرباران می‌کنند.^۴ مدرک دیگری نیز وجود دارد که تیرباران ۳۲ سرباز ارتش افغانستان را به‌واسطه طالبان در ولایت قندهار صورت گرفت به اثبات می‌رساند.^۵ علاوه بر آن طالبان در ولایت قندهار، موسی، عسکر پولیس ملی را بعد از اسارت شکنجه کرده و به شهادت رساندند.^۶

سوم: حمله بر دانشگاه کابل ۱۲ عقرب ۱۳۹۹ که منجر به قتل ۲۲ تن محصل شد، حمله بر کورس آموزشی کوثر دانش واقع دشت برچی کابل که به تاریخ ۳ عقرب ۱۳۹۹ اتفاق افتید و منجر به قتل ده‌ها متعلم گردید. حمله بر کورس موعود واقع دشت برچی ولایت کابل که به تاریخ ۲۴ اسد ۱۳۹۷ رخ داد و به تعداد ۴۸ متعلم کشته و ۶۸ تن دیگر زخمی گردیدند.

^۱. <https://am.af/yusuf-rashid-fifa-chief-executive-was-assisanated-in-kabul/>

^۲. <https://tolonews.com/fa/afghanistan> وزارت داخله طرح حمله به ساختمان ریاست رجال برجسته کشته شد

^۳. https://www.bbc.com/persian/afghanistan/2011/02/110220.k01_east_bombing.

^۴. <https://m.youtube.com/watch?v=DANZYUKpapM>.

^۵. <https://m.youtube.com/watch?v=2jdnfunyzy>.

^۶. https://m.youtube.com/watch?v=uyefksf_FVM

شخصی بنام آزاد خان (نام مستعار) که از سال ۱۳۷۸ الی سال ۱۳۸۰ در زندان طالبان بندی بود حکایت می‌کند " هر روز به ظن وابسته بودن به گروه مقاومت کیبل کاری می‌شد، به خاک کشیده می‌شد و در محضر تمامی محبوسان با کیبل مجازات می‌شده و در کنار آن خانواده‌شان حق ملاقات را با ایشان نداشتند که این همه مجازات به ظن وابسته بودن به گروه مقاومت ملی صورت می‌گرفت.

به ادامه جنایات یاد شده، در سال ۱۹۹۷ اکثریت مطلق مردمان شمالی و بخصوص باشندگان ولسوالی کلکان، سرای خواجه، شکردره و گلدره توسط طالبان از مناطقی که کوچانده شدند و بدون اجازه اولیا، یکتعداد محدود بانوان شمالی را به پاکستان انتقال دادند. همین‌طور در حاکمیت دوم‌شان ساکنان محلی در ولایت پنجشیر، اندراب‌ها و دایکندی را مجبور به ترک خانه و کاشانه‌هایشان کردند. انهدام خانه‌های مسکونی و قطع درختان در ولایت قندوز^۱ و ولسوالی شکردره، گلدره و کلکان ولایت کابل^۲ بیانگر جنایات بشری و جنایت جنگی گروه طالبان می‌باشد.

باتوجه به موارد فوق‌الذکر مشخص گردید که گروه طالبان در عملیات و اقدامات نظامی مرتکب نقض صریح ارزش‌های انسانی و قواعد بین‌المللی شدند؛ بنابراین، عملکرد این گروه در تضاد با عملکرد نهضت‌های آزادی‌بخش ملی قرار دارد.

گفتار چهارم: داشتن یونیفرم خاص

نهضت‌های آزادی‌بخش ملی علامت مخصوص خود را دارند تا از این طریق شناسایی شوند چنانچه که اردوی هر کشور یونیفرم خاص و نشانه نظامی مخصوص خود را دارد. گروه طالبان در قسمت یونیفرم و لوگوی نظامی اصلاً نشانه خاصی که متفاوت از مردم عام باشد ندارد. لباسشان لباس بومی، به سر لنگی و یا کلاه قندهاری دارند، به پای چپلک و اگر زیاد مدنی شده باشند کرمچ به پا می‌کنند، دارای ریش‌دراز و قطیفه در سرشان می‌داشته باشند دقیقاً مشابه به یک فرد روستایی که در قریه جات ولایات جنوبی افغانستان زندگی می‌کند. حقیقت امر این است که گروه طالبان چیزی را بنام یونیفرم نمی‌شناسند، همه لباس محلی استفاده می‌کنند. چنانچه که اکثراً لباس طالبان با لباس رئیس‌جمهور اشرف غنی، استاد سیاف، گلبدین حکمتیار، مردمان کوچی و افراد محلی اصلاً تفاوت ندارد. به خاطر ثبوت موارد ذکرشده توجه فرمایید به تصاویر ذیل:

^۱ <https://avapress.com/fa/news/۲۰۹۴۲۷> قطع درختان مسیر شاهراه قندوز خان آباد سوی طالبان

^۲ <https://iranintl.com> شمالی افغانستان را سرزمین سوخته می‌گویند



اگر تصاویر یادشده به یک فرد خارجی و ناآشنا به افغانستان نشان داده شود بدون شک که میان تصاویر به لحاظ شکل و شمایل لباس، هیچ‌گونه تفاوتی را نخواهند دید درحالی‌که یکی رئیس‌جمهور است در ارگ و دیگری طالب است در سر سرک. با توجه به موارد فوق ثابت می‌گردید که گروه طالبان فاقد یونیفرم می‌باشند.

در جمع‌بندی این مبحث می‌توان گفت که؛ کنفرانس بن مورخ ۵ دسامبر ۲۰۰۱ و قطعنامه ۱۳۷۸ مورخ ۲۷ اکتبر ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، گواه بر حضور مشروع و مشروط نیروهای نظامی ایساف، آمریکا و ناتو بوده که خود بیانگر عدم اشغال افغانستان بشمار می‌رود، از طرف دیگر گروه طالبان رهبر پاسخگو و مشخصه نظامی ثابت ندارند و با صدها ثبوت و شواهد عملکردشان خلاف قواعد بین‌المللی بوده است؛ بنابراین نتیجه اینکه؛ گروه طالبان هیچ نوع شباهتی با نهضت‌های آزادی‌بخش ملی ندارند پس این گروه از جمله نهضت‌های آزادی‌بخش ملی محسوب نمی‌گردند.

مبحث دوم: بررسی مشابهت گروه طالبان با گروه تروریستی از منظر حقوق بین‌الملل

ترور شخصیت‌های سیاسی کشور، تخریب زیرساخت‌های اقتصادی، ناامن سازی کشورها و در مجموع تأمین منافع کشورهای خارجی می‌تواند از جمله دلایل شکل‌گیری گروه تروریستی باشد چنانکه دیده شد با به وجود آمدن گروه داعش، دولت عراق، سوریه و افغانستان به لحاظ اقتصادی و اجتماعی صدمه فراوانی را متقبل گردیدند.

یووال نوح هراری تاریخ نویس معروف اسرائیلی، تروریسم را خطرناکترین چالش قرن بیست و یک دانسته است.^۱ این پدیده را نباید دست‌کم گرفت، به حدی ابعاد گسترده و پنهانی دارند تا که یک و یا چند کشور قدرتمند خارجی در عقبه‌شان به‌عنوان حامی وجود نداشته باشد شکل‌گیری چنین گروهی محال می‌نماید. به‌منظور بهره‌برداری از چنین گروه‌ها، بعضی دولت‌ها در سازمان ملل متحد و بخصوص در شورای امنیت سازمان ملل متحد، تلاش کرده‌اند تا تعریف واضح و دقیق از تروریسم ارائه نگردد ولی با آنهم در چند دهه‌ی گذشته و بخصوص بعد از حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ محدود کنوانسیون و قطعنامه‌هایی صادر شد که در آن تعریف و عملکرد گروه تروریستی به معرفی گرفته شده است.

در معرفی گروه تروریستی سه نوع رویکرد وجود دارد. نخست: کنوانسیون‌هایی که گروه تروریستی را به‌صورت واضح تعریف کرده است. دوم: کنوانسیون‌هایی که پیرامون معرفی اعمال تروریستی به تصویب رسیده‌اند و سوم: دیدهای آکادمیک دکترین حقوق بین‌الملل پیرامون تعریف و مشخصات گروه تروریستی می‌باشد. به‌خاطر دانستن اینکه واقعاً تروریست کیست و چه مشخصات دارد، لازم می‌دانم که درمورد هر یک از رویکردها معلومات مفصل ارائه گردد.

▪ **کنوانسیون اتحادیه عرب مصوب ۲۲ اپریل ۱۹۸۸:** در این کنوانسیون تروریسم چنین تعریف شده است. "تروریسم عبارت از هر عمل خشونت‌بار یا تهدید به خشونت است که بدون در نظر داشت

^۱. یووال، نوح هراری، ۲۱ درس برای قرن ۲۱، ترجمه قیصری سودابه، چ ۲، ص ۲۰۶.

اهدافشان به صورت فردی یا گروهی صورت گیرد و از طریق آسیب رساندن یا به خطر انداختن جان مال، آزادی، امنیت، محیط زیست، تأسیسات عمومی یا خصوصی و منابع ملی به دنبال ایجاد وحشت در بین مردم باشد".

■ کنوانسیون‌هایی که اعمال تروریستی را به معرفی گرفته‌اند:

- کنوانسیون توکیو در مورد جرایم ارتكابی در هواپیما مصوب ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۳.
- کنوانسیون لاهه در مورد توقیف غیرقانونی هواپیما مصوب ۱۷ دسامبر ۱۹۷۰.
- کنوانسیون مونترال در مورد اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی هواپیمای ملکی مصوب ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ و پروتکل الحاقی ۱۰ می ۱۹۸۴.
- کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرایم علیه افراد تحت حمایت بین‌المللی، از جمله مأموران دیپلماتیک مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳.
- کنوانسیون علیه گروگان‌گیری ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹.
- کنوانسیون علیه دزدی دریایی مصوب سال ۱۹۸۲.

■ دکترین حقوق بین‌الملل:

پیوسته به موارد فوق دکترین حقوق بین‌الملل با استفاده از کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌ها و منابع حقوق بین‌الملل توانستند که گروه تروریستی را چنین تعریف نمایند: "هر عمل خشونت باری که به نیت کشتار، ایجاد جراحت‌های شدید به افراد غیرنظامی، تخریب و انهدام اموال خصوصی و عمومی و به هدف ایجاد رعب و وحشت در میان مردم یا جماعتی از مردم و یا اجبار کشور یا یک سازمان بین‌المللی برای انجام فعل یا ترک فعل باشد، تروریسم تلقی می‌شود"^۱ با توجه به تعریف تروریسم دکترین حقوق بین‌الملل به اتفاق آرا مشخصات این گروه را موارد ذیل شمرده‌اند:

- عملکرد خلاف قواعد بین‌المللی یعنی عمل خشونت‌بار همراه با کشتار و جراحت‌های جسمی و روحی؛
- ایجاد ترس و هراس در جامعه؛
- داشتن هدف سیاسی به منظور رسیدن به قدرت سیاسی؛ و
- اجبار دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به منظور انجام فعل و یا ترک فعل.^۲

۱. ضیایی بیگدلی، حقوق بشردوستانه، ۱۳۹۲، پیشین، ص ۵۸.

۲. ۲۰۱۱، Routledge handbook of terrorism research, written by Alex P.Schmid. published by Taylor and Francis. ضیایی بیگدلی، حقوق بشردوستانه، ۱۳۹۲، پیشین، ص ۵۸. <https://www.youtube.com/watch?v=pZDkjG> نظریه دکتر ملک ستیز پیرامون مشخصات گروه تروریستی. **پیرگار: تروریسم چیست؟ عناصر آن کدامند؟** - YouTube سعید محمودی استاد حقوق بین‌الملل در پاریس.

حالا که تعریف و مشخصات گروه تروریستی روشن شد ایجاب می‌کند که مشخصات گروه طالبان با مشخصات فوق مطابقت داده شود که باهم دیگر مشابهت دارند یا خیر. در صورتی که مشابهت داشته باشند، گروه طالبان یک گروه تروریستی محسوب می‌گردد.^۱

گفتار اول: عملکرد گروه طالبان

طالبان از زمان پیدایش تا به امروز فعالیت گوناگونی داشتند، گاهی حکومت کردند، گاهی علیه حکومت جنگیدند. در زمان حکومتشان، ساختار حکومت به هیچ نوع نظام سیاسی هم‌خوانی نداشت و با شهروندان با خشن‌ترین شیوه رفتار می‌کردند و بخشی از رفتار جزایی (مانند قطع دست، اعدام و تیرباران) خود را در چهارراهی‌های کابل و سایر نقاط تحت حاکمیت‌شان به نمایش می‌گذاشتند و بعد از حکومت‌شان علیه حکومت کنونی (جمهوریت) جنگیدند و در این مدت اعمال غیر انسانی‌شان حیات صدها انسان بی‌گناه را سلب کرده است

آنچه تا امروز دیده‌شده و تجربه‌شده است، انتحاری، انفجاری، ماین‌گذاری، گروگان‌گیری، قتل‌های هدفمند، انهدام محلات مسکونی افراد ملکی، نقض حقوق زنان و نقض حقوق محیط‌زیست از جمله فعالیت‌های گروه طالبان می‌باشد؛ بنابراین بهتر است که به‌طور نمونه هر یک از عملکرد طالبان را به‌اختصار تذکر دهیم.

الف: گروگان‌گیری در رستوران اسپوژمی و هوتل انترکانتیننتال

طالبان همه‌ساله چندین فعالیت نظامی گروگان‌گیری را در سطح افغانستان انجام می‌دهند که از آن جمله می‌شود از حمله بر رستوران اسپوژمی واقع بند قرغه ولایت کابل را یادآوری کرد، این گروگان‌گیری که به تاریخ ۸ جنوری ۲۰۱۳ رخ داد و به مدت ده ساعت طول کشید ده تن از شهروندان ملکی به شهادت رسیدند.^۲ ضمناً این گروه بتاريخ ۸ اگست ۲۰۱۶ دو استاد آمریکایی و استرالیایی را از دانشگاه افغان امریکن واقع دارلامان کابل اختطاف کرده بودند که بعد از گذشت سه و نیم سال با انس حقانی تبادل شدند.^۳

حمله دیگر در هوتل کانتیننتال به تاریخ ۲۱ / ۱ / ۲۰۱۸ در کابل اتفاق افتید و ۱۲ ساعت طول کشید که در این حمله ده‌ها تن شهروندان ملکی داخلی و خارجی به دست حمله‌کنندگان کشته شدند و رسماً شاخه گروه حقانی مسئولیتش را به عهده گرفت و بعد از چهار سال سراج‌الدین حقانی رهبر شبکه حقانی از زبان یکی از

^۱. تمامی ادعاهای مطرح شده در این مبحث ضمن منابع اصلی در گوگل و یوتیوب قابل دسترس می‌باشد در صورت نیاز با ذکر نام و تاریخ می‌توانید به منبع متوصل شوید. بخاطر جلوگیری از تعدد فرانس‌ها از تذکر تکراری بعضی منابع خودداری شده است.

^۲. <http://m.youtube.com/watch?v=ykbezip9=۳g> پایان گروگان‌گیری طالبان در کابل. (بر اساس کنوانسیون ضد گروگان‌گیری مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ گروگان‌گیری عمل تروریستی محسوب می‌گردد و طبق ماده ۸ بند ۲ مورد هشتم اساسنامه محکمه بین المللی کیفری گروگان‌گیری از جمله اعمال جنایت جنگی می‌باشد)

^۳. [Taliban Prisoners swap - VOA Ashna - YouTube](http://www.voa.com/afghanistan/2018/01/21-taliban-prisoners-swap-voa-ashna-youtube)

گروگان‌گیرها نقل قول نمود که " این حمله را حضرت محمد (ص) رهبری می‌کرد".^۱ (اسناد بین‌المللی که بیانگر خلاف‌ورزی اعمال طالبان می‌باشد در پاورقی‌ها تذکر یافته است)

ب: بازداشت‌های فراقانونی، شکنجه خودسرانه و محاکمه صحرائی

نزد گروه طالبان همه‌ی اقوام غیرخودی و مخالفین درون قومی‌شان همه مجرم‌اند الی اینکه ثابت بسازند بی‌گناه هستند. به همین دلیل یک تعداد افرادی که از ولایات سمت شمال و بخصوص پنجشیر، اندراب، تخار، پروان بودند به ظن همکاری با جبهه مقاومت به‌صورت وحشیانه مورد شکنجه قرار دادند. مثلاً: پدر من (نویسنده) بنام معلم نادر حیات از دو چشم نابینا بود در سال ۱۹۹۷ به دلیل اقارب بودن با مقاومت‌گران شش ماه در ریاست تحقیق کابل زندانی شده بود. وقتی که با یک نابینا چنین رفتاری شود، شما فکر کنید با دیگران چگونه رفتار خواهد شد. دختری بنام آرزو از امر جنایی حوزه یازدهم کابل که عضو گروه طالبان بود شکایت کرد که از وی تقاضای نامشروع کرده است، آرزو را زندانی کردند متأسفانه به اثر شکنجه زیاد در زندان وفات نمود، فامیل وی را تهدید کردند که کسی از ماجرا خبر نشود و آرزو به‌صورت پنهانی و دور از انظار عامه دفن گردید.^۲ علاوه بر آن در یک سال حکومت طالبان به تعداد ۱۵۰ خبرنگار شکنجه و ده‌ها فرد در پنجشیر بعد از تیرباران به دریا پرتاب شدند.^۳ به طور نمونه به تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۲ طالبان در ولایت پنجشیر قوماندان یار محمد یکی از قوماندانان جبهه مقاومت ملی همراه با هفت تن از افرادش را بعد از اسارت با دستان بسته تیرباران کردند و بعد از یکماه مردم محل را اجازه دادند که اجساد این‌ها را دفن کنند.^۴ پیوسته به آن دو روز بعد از این حادثه جوان باسوادی را در جریان آبیاری زمین‌شان به مرکز نظامی ولایت پنجشیر برده بعد چند روز جسدش را با چشمان کشیده تسلیم خانواده‌شان کردند.^۵ طبق گزارش هفته‌نامه هشت صبح به تعداد ۵۴۰۰ فرد پنجشیری به دلایل سیاسی در زندان طالبان به سر می‌برند.^۶

۱. <http://www.google.com/amp/s/amp.dw.com/fa-af> طالبان مسئولیت حمله بر هوتل اینترکانتیننتال کابل را به عهده گرفتند. (طبق ماده ۸ بند ۱ مورد اول اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری چنین عملی جنایت جنگی بشمار می‌رود)

۲. [ویدیوی دختری که ادعا دارد که طالبان او را لت کرده و در حوزه از اوتقاضای نامشروع میکند YouTube](#) (بر اساس ماده ۷ بند ۱ مورد اول و ششم

اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری چنین عملی جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد).

۳. [جسد تیرباران شده یک مرد از دریای پنجشیر پیدا شد | روزنامه ۸صبح \(Am.af\)](#). (بر اساس ماده ۸ بند دوم مورد اول اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری چنین عملی از جمله جنایات جنگی بشمار می‌رود)

۴. [Taliban Committing War Crimes in Panjshir, UNAMA Simply Voices Concern: NRF Spokesman - Hasht-e Subh Daily \(Am.af\)](#) (طبق ماده ۸ اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری این عمل از جمله جرایم جنگی بشمار می‌رود)

۵. [طالبان غیرنظامیان را در پنجشیر کشتند - BBC News - فارسی](#). (طبق ماده ۸ بند دوم مورد اول اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری این عمل از جمله جرایم جنگی بشمار می‌رود)

۶. [ادعای جبهه مقاومت: طالبان ۵۴۰۰ باشند پنجشیر را زندانی کرده‌اند | روزنامه ۸صبح \(Am.media\)](#). (طبق ماده ۷ بند ۱ مورد ششم و هشتم اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری چنین عملی جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد و بر اساس ماده سوم بند اول کنوانسیون ژنو مصوب ۱۲ اگست ۱۹۴۹ هیچ فردی بدون موجب قانونی و بدون حکم محکمه ذیصلاح نباید به زندان انداخته شود)

به سبب اینکه کشورهای خارجی از رفتارهای فراقانونی این گروه آگاه نشوند در هر دو دوره حاکمیت‌شان دروازه کمیسیون حقوق بشر را بستند و مطبوعات آزاد را اجازه فعالیت ندادند بآنهم شهروندان اخبار داخل کشور را از مجراهای مختلف به شبکه‌های اطلاع‌رسانی و نهادهای حقوق بشری شریک ساختند، به همین سبب دولت آمریکا و دولت‌های اروپایی نسبت به شکنجه و بازداشت‌های غیرقانونی گروه طالبان اعتراض نمودند و ریچارد بنت نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد بازداشت‌های فراقانونی، شکنجه و محاکمه صحرائی گروه طالبان را در نیز تأیید نموده است.^۱

ج: انتحاری

انتحاری از جمله تاکتیک‌های جنگی طالبان است و طالبان مخترع این تاکتیک در افغانستان هستند چنانچه که اولین انتحاری را در افغانستان به جان قهرمان ملی احمدشاه مسعود تجربه نمودند و همین‌طور استاد برهان‌الدین ربانی رئیس‌جمهور اسبق افغانستان را نیز به‌واسطه انتحاری به شهادت رساندند. حالا این تاکتیک جز فرهنگ نظامی این گروه محسوب می‌گردد و دو کندک انتحاری در تشکیلات وزارت داخله و دفاع این گروه به‌صورت رسمی ایفای وظیفه می‌کنند.

به تاریخ ۳۱ می ۲۰۱۸ انفجار موتر بمب چهارراهی زنبق در مقابل سفارت جرمنی که بیشتر از صد نفر کشته و بیشتر از چهارصد تن دیگر زخمی گردیدند. به تاریخ ۱۲ عقرب سال ۱۳۹۹ حمله به دانشکده حقوق دانشگاه کابل که منجر به کشته‌شدن ۱۹ تن و زخمی‌شدن ۲۲ محصل و اساتید گردید.^۲ به تاریخ ۲۹/۰۷/۲۰۱۹ حمله به دفتر سیاسی امرالله صالح که منجر به قتل ۲۰ تن و زخمی‌شدن ده‌ها تن به شمول امرالله صالح و محافظینش شد.^۳ و همین‌طور حمله انتحاری به ریاست رجال برجسته امنیت ملی افغانستان که منجر به شهادت صد تن از کارمندان این نهاد شد. طالبان در اولین ماه‌های پیروزی‌شان تحت نام قردانی از انتحاری‌ها در هوتل انترکانتیننتال محفلی برپا کردند و در آنجا سراج‌الدین حقانی رهبر شبکه حقانی انجام ۱۰۵۰ انتحاری را از طرف این شبکه در دو دهه گذشته تأیید کرد. ارقام ذکرشده صرف مربوط شبکه حقانی می‌شود حالا شما فکر کنید که سایر گروه‌های طالبان به چه تعداد انتحاری را به افغانستان سوق داده باشند.

^۱. <https://subhekabul.com/un-spécial-rapporteur-Richard-Bennett-panjshir-provinc>

^۲. <http://www.google.com/amp/s/da.azadiradio.com/amp/۳۰۹۲۵۲۹۸.html> پایان حمل گروهی به پوهنتون کابل. (طبق ماده ۸ بند ۲ مورد اول و دوم اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری چنین عملی جنایت علیه بشریت بشمار رفته و طبق ماده ۳ بند ۱ کنوانسیون ژنو مصوب ۱۲ اگست ۱۹۴۹ کشتن افراد ملکی توسط گروه‌های نظامی جواز ندارد)

^۳. <http://www.google.com/ama/s/per.euronews.com/amp> شمار کشته‌شدگان حمله به دفتر امرالله صالح در افغانستان به ۲۰ نفر رسید. (طبق ماده ۸ بند ۲ مورد اول اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری این عمل جنایت جنگی شمار می‌رود)

د: قتل‌های هدفمند و ماین گذاری

گروه طالبان به خاطر تضعیف نظام، همیشه دست به ترور نظامیان افغانستان زدند و حتی در این اواخر قتل‌های آنلاین را آغاز نموده‌اند. قتل عبدالله بارکزی نماینده پارلمان افغانستان، قتل قوماندان رازق قوماندان امنیه قندهار، قتل نظامیان قوای مسلح افغانستان، قتل یوسف رشید رئیس اجرایی فیفا، قتل ملاله خبرنگار محلی در ننگرهار، قتل نعمت روان مجری برنامه‌های سیاسی طلوع نیوز در قندهار، قتل سید مصطفی کاظمی و شش نفر همراهانش در ولایت بغلان و همین‌طور به تاریخ ۲۹ اسد ۱۳۹۹ میر عبدالباری امین رئیس شورای علمی وزارت معارف در ماین‌گذاری به موترش جان داد و ماین‌گذاری در موتر رنجر حوزه دوازدهم پولیس ملی که منجر به کشته‌شدن یک فرد و مجروح شدن یک‌تن دیگر شد.^۱

ه: تخریب آثار باستانی، انهدام مسکن‌های افراد ملکی و کوچ اجباری

تخریب بت بامیان توسط طالبان در سال ۲۰۰۱ از جمله جنایاتی است که همه با خبراند. در کنار آن در سال ۱۳۷۶ زمانی که طالبان کابل را تسخیر نمودند به خاطر اینکه گروه مقاومت را شکست دهد، در مناطق شکر دره، گل دره و کلکان دست به انهدام مسکن‌های ملکی زدند و فرمان تخلیه مسکونه‌های ملکی از سوی مقام جنگی طالبان صادر گردید. در این جنگ پنج‌ساله اکثریت مطلق خانه‌های ملکی در این ساحات به مخروبه تبدیل گردیدند و دیگر قابل‌استفاده نبودند. بنده شاهد این رویداد بوده به‌نحوی که باشندگان ولسوالی کلکان، گلدره و شکردره به مرکز کابل سرازیر شدند، طالبان یک تعداد این‌ها را به سفارت روسیه (مشهور به سفارت شوروی واقع کارته چهار کابل) انتقال دادند، یک تعداد دیگرشان فرار کرده به خانه‌های خویشاوندان و اقاربشان پناه بردند و چند تن دختران را طالبان به‌عنوان غنیمت جنگی با خود بردند. با چنین عملکردشان طالبان به حدی در افغانستان و بخصوص ولایت کابل وحشت ایجاد کرده بودند که همه در صدد فرار از افغانستان بودند و یک تعدادی که در کابل باقی ماندند از جمله کسانی بودند که هیچ انتخابی به‌جز ماندن نداشتند.

نادری یک‌تن از شاهدان صحنه، وضعیت همان زمان را چنین روایت می‌کند "در سال ۱۳۷۶ در کابل (خیرخانه) زندگی می‌کردیم، ناگهان خویشاوندان با وضعیت روحی آشفته و ترسیده و با اعضای فامیل‌شان به منزل ما پناه آوردند و از آتش زدن خانه، کشتن حیوانات و بریدن درختان با چشمان گریان حکایت می‌کردند".^۲ به همین سلسله جنایات گروه طالبان در حاکمیت دوم‌شان اکثریت باشندگان ولایت پنجشیر را کوچ اجباری دادند، برای هر منطقه شرایط گذاشته‌اند که یا مبارزین مقاومت را مجبور به ترک جنگ نمایند و یا ترک محل کنند. همین‌طور در ولسوالی خواجه بهاوالدین ولایت تخار طالبان خانه‌های مردمان بومی محل را به

^۱ <http://tolonews.com/fa/afghanistan-ez> نگرانی باشندگان کابل از افزایش انفجار ماین‌های مغناطیسی. (طبق ماده ۷ بند ۱ مورد یازدهم

اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری چنین عملکردی جنایت بشری محسوب می‌گردد)

^۲ نادری، کابل، ۰۱/حوت/۱۳۹۹. (طبق ماده ۷ بند ۱ مورد چهارم و بند ۲ مورد چهارم اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری چنین عملی جنایت علیه بشریت

محسوب می‌گردد)

وزیرستانی‌های پاکستان مصادره کردند.^۱ نسل کشی هزاره‌ها در سال ۱۳۷۷ در مزار شریف که منجر به کشته شدن هزاران تن گردید نیز جمله جناباتی است که ثبت تاریخ شده است.^۲

و: نقض حقوق محیط‌زیست

به‌خاطر جلوگیری از حاصلات تاک‌های انگور، طالبان اکثریت تاک‌های حاصل‌خیز ولسوالی شکرده، گلدره و قره باغ را قطع نموده و یا آتش زدند تا مردم نتوانند از حاصلاتش استفاده نموده و منجر به کشت و کار در این ساحه گردد. به‌منظور خالی ساختن منطقه از سکنه در سال ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۰ قطع درختان ادامه داشت و در بسیار مناطق قره‌باغ، گلدره، شکرده و کلکان درختان قطع شده بود و مردم محل هیچ‌گونه حاصلات از درختان خود نداشتند و بعد از سقوط حکومت طالبان، زمانی که مردم ساحه دوباره به مناطقشان برگشتند، درختان و نهالان جدید غرس نمودند و تا سال‌های پسین به دلیل جوان بودن و تازه بودن نهالان، مردم از حاصلات محروم بودند و در حدود یک دهه می‌شود که مردمان منطقه با سعی و کوشش‌شان دوباره صاحب حاصلات از درختان‌شان شدند.

ز: نقض حقوق زنان

در فلسفه فکری و سیاسی گروه طالبان، زنان حق تحصیل ندارند. به زن صرف جغرافیای خانه را محل امن زندگی می‌دانند و بس، به همین دلیل طالبان هم در حاکمیت نخست‌شان و هم در مرحله دوم حاکمیت‌شان زنان را از حق تحصیل ممنوع کردند، علاوه بر آن اکثراً منع کار، منع آزادی بیان و منع سفر بصورت مستقلانه شده‌اند.^۳

وسیمه کوهستانی یکی از زنان معترض علیه حاکمیت گروه طالبان به تاریخ ۱۱ جدی ۱۴۰۰ توسط طالبان بازداشت شده بود و از جریان بازداشت خود چنین حکایت می‌کند: "در جریان تحقیق سرم را به داخل آب فرو بردند تا اعتراف اجباری بگیرند و همین‌طور طالبان در جریان تحقیق دختران را به نحوی شکنجه می‌کردند که در آینده از شرم به کسی معترض شده نتواند یعنی در سینه و شرمگاه دختران با کیبل می‌زدند".^۴ به همین ترتیب گروه طالبان حتی حق اعتراض را از زنان گرفتند و یکتعداد زنان معترض را شکنجه و به

^۱ کوچ‌اجباری در تخار؛ مهاجرین برگشته از پاکستان جایگزین ده‌نشینان می‌شوند (etilaatroz.com). (طبق ماده ۷ بند ۱ مورد چهارم و بند ۲ مورد

چهارم اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری چنین عملی جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد)

^۲ [Afghanistan: The Massacre in Mazar-i Sharif | HRW](#) و [قتل عام مزار ۱۹۹۸ - روایتی از کشتار غیرنظامیان به دست طالبان - ...](#)

[YouTube](#) (طبق ماده ۶ بند ۱ و ۲ اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری چنین عملی قتل عام محسوب می‌گردد)

^۳ بر اساس ماده ۱، ۲، ۳، و ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ حق آزادی، برابری و عدم تبعیض، اشتراک در انتخابات و... از جمله حقوق اساسی مرد و زن می‌باشد و هیچ حکومتی حق نقض آن را ندارد.

^۴ کوهستانی، وسیمه، پاکستان، ۱/۰۱/سنبله/۱۴۰۱. (طبق ماده ۷ بند ۱ مورد ششم اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری چنین عملی جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد)

یکتعداد دیگرش تجاوز کردند.^۱ کارمندان زن وزارت داخله، دفاع و ریاست امنیت ملی افغانستان اکثراً از کار برکنار و تحت تعقیب قرار گرفتند.^۲ وزارت امر به معروف و نهی از منکر گروه طالبان نحوه پوشش زنان را همیشه زیر کنترل داشته و متخلفین را حتی در محضر عام مجازات می‌نمایند.^۳

باتوجه به مواردی که ذکر شد، از این گفتار چنین استنباط می‌گردد که عملکرد گروه طالبان با اعمال گروه تروریستی مشابهت و مطابقت دارند. علاوه بر استنباط نگارنده، در پنج قطعنامه، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز عملکرد گروه طالبان را به نحوی اعمال تروریستی دانسته شده است.^۴

گفتار دوم: ایجاد رعب و ترس در میان شهروندان. (سیاست ترس)

هدف ترور همان‌گونه که از خود واژه پیداست عبارت است از هراس‌انگیزی و اشاعه ترس در میان مردم می‌باشد. عصاره اصلی ترور گزینش اهداف مورد حمله به‌صورت اتفاقی است که این امر می‌تواند افراد را همیشه در این وحشت نگه‌دارد که مبادا در زمان مشخص و در مکان مناسبی قرار داشته باشند؛ زمان و مکانی که برای انجام یک حمله تروریستی، مدنظر تروریست‌ها قرار داشته باشد. فرار از این وضعیت ممکن نیست، چرا که هیچ‌گونه گزینش در انتخاب این زمان و مکان خاص وجود ندارد و تنها بدشمنی افراد است که آن‌ها را در زمانه‌ای خاص در چنین اماکنی قرار می‌دهد و خوش‌شانسی آنان است که باعث فرار آنان از این محل‌ها می‌شود. برای رسیدن به این منظور، جمعیت ملکی نه‌تنها هدفی ساده برای اقدامات تروریستی است؛ بلکه هدفی مؤثر نیز محسوب می‌شود، چرا که انتخاب این اهداف به‌صورت تصادفی، باعث ایجاد اضطراب در میان مردم خواهد شد. این اضطراب پیام‌آور یک وحشت است. پیام این حمله روشن است؛ هر کس، هر کجا و در هر زمانی ممکن است هدف حمله بعدی قرار گیرد و این چیزی است که اضطراب حاصل از اقدامات تروریستی را مضاعف می‌کند.^۵

بدین ترتیب هراس‌افکنی یکی از اهداف و کارکردهای تروریسم محسوب می‌گردد و حتی در مواردی که وحشت به‌عنوان هدف مستقیم تروریسم مدنظر نباشد، به‌عنوان یک تأثیر جانبی در اقدامات تروریستی خود را نشان خواهد داد. آنچه ترس از ترور را از وحشت و ترس موجود در سایر جرائم و خشونت‌ها تفکیک می‌کند آن

^۱ [طالبان شماری از زنان معترض را مورد شکنجه و تجاوز قرار داده اند YouTube](#) - (طبق ماده ۷ بند ۱ مورد ششم و هفتم اساسنامه محکمه بین‌المللی

کیفری تجاوز و شکنجه افراد جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد)

^۲ [زندگی مخفیانه زنان پلیس افغان پس از به قدرت رسیدن طالبان YouTube](#) - و [تجاوز سعید خوستی سخنگوی وزارت داخله بالای الهه دانشجوی طب](#)

[کابل YouTube](#) - (طبق ماده ۷ بند ۱ مورد ششم و هفتم اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری تجاوز و شکنجه افراد جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد)

^۳ [وضعیت زنان در افغانستان تازه شلاق زدن زنی در سرک او هم ناکی طالبان YouTube](#) - (طبق ماده ۷ بند ۱ مورد ششم اساسنامه محکمه بین‌المللی

کیفری شکنجه افراد جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد)

^۴ قطعنامه شماره ۲۱۸۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد، مصوب ۱۲ دسامبر ۲۰۱۴، مقدمه، پاراگراف ۳. قطعنامه شماره ۱۸۱۷ مصوب ۱۱ جون ۲۰۰۸،

مقدمه، پاراگراف ۶. قطعنامه شماره ۱۷۷۶ مصوب ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۷، مقدمه، پاراگراف ۸. قطعنامه شماره ۱۷۰۷ مصوب ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۶، مقدمه،

پاراگراف ۷ و قطعنامه ۱۴۵۶ مصوب ۲۰ جنوری ۲۰۰۳، بند ۲، مورد ۳.

^۵ کارگری، نوروز و مهرا، نسرین، (روان شناسی اقدامات تروریستی: هراس و هراس افکنی) دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیق، ۱۳۹۷، ص ۶. (طبق

ماده ۷ بند ۲ مورد پنجم اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری شکنجه روانی افراد جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد)

است که در جرائم دیگر ایجاد ترس و وحشت هدف اصلی مجرم نیست؛ بلکه به صورت فرعی و ثانوی از رفتار او ناشی می‌شود و از همین‌روست که برخلاف سایر جرائم، اقدامات تروریستی به صورت کاملاً آشکار صورت می‌گیرند و مرتکب، تمام تلاش خود را برای آشکار کردن آن ولو با استفاده از شیوه‌های تکثیر مجازی با کمک رسانه‌های مجازی، به کار می‌گیرد؛ از سوی دیگر واکنش‌های روانی و احساسی که نسبت به اقدامات تروریستی صورت می‌گیرد ناخودآگاه با اهداف تروریست‌ها منطبق هستند.

به‌عنوان نمونه بعد از ۹ سپتامبر ۲۰۰۱ بسیاری از شهروندان نیویورک از احساس رودررویی دوباره با واقعه‌ای مشابه در حین انجام فعالیت‌های روزمره خود هراس داشتند. می‌توان تصور کرد که اگر اعضای یک اجتماع هراس‌زده باشند و احساس آسیب‌پذیری کنند، اغلب با این اعتقاد که دولت مسئول حفظ و تأمین امنیت آن‌ها بوده و در این راه کوتاهی کرده است، به دولت‌ها جهت تضمین حمایت فیزیکی از آن‌ها فشار خواهند آورد. چنانچه دولت نتواند این کارکرد خود را به‌خوبی انجام دهد ممکن است اعتماد شهروندان نسبت به آن‌ها از دست برود و این همان نتیجه‌ای است که اغلب تروریست‌ها با اعمال تروریستی در پی دستیابی به آن هستند. نمونه‌های از این مورد را می‌توان در ۷ نوامبر ۱۹۷۱ در مصر نیز دید. در این روز افرادی مسلح از گروه جماعت اسلامی به گروهی از تروریست‌ها که در حال بازدید از "دره شاه" بودند حمله کردند در این حمله ۱۸ تروریست کشته شدند و ۲۳ نفر دیگر زخمی شدند. این اتفاق در حالی رخ داد که مصر سالانه درآمد هنگفتی از بابت صنعت توریسم داشت. در سال‌های پس‌از این حادثه، پذیرش توریسم در مصر کاهش قابل‌توجهی یافت، چراکه افراد خارجی حاضر نبودند برای گذراندن تعطیلات خود در مصر جان خود را به خطر بیندازند. بی‌اعتمادی به دولت همراه با این گمان که قربانی بعدی بودن اقدام تروریستی مشابه بسیار محتمل است، علت اصلی این کاهش مسافرت به مصر بود.^۱

بر همین مبنا، یکی از اهداف راهبردی حملات طالبان این است تا مردم به این باور برسند که هیچ‌کسی در هیچ زمان و مکانی در امنیت نیست. از همین رو قربانیان خود را در طیف‌های مختلف اجتماعی هدف قرار می‌دهند: در آموزشگاه، مکتب، مدرسه، مسجد، خیابان، دانشگاه، گردهمایی‌ها و حتی در مراسم عروسی، جنازه و فاتحه‌خوانی. طی دو و نیم دهه‌ی گذشته طالبان در تمام مکان‌های فوق حمله کرده‌اند و هدف آن تفهیم یک‌چیز به مردم بوده است که هیچ‌کس در هیچ‌جای افغانستان در امنیت نیست و هرزمانی که خواسته باشیم، می‌توانیم بکشیم. این امر سبب شده است که مردم در یک هراس و اضطراب همیشگی به سر ببرند، درحالی‌که در عالم واقع این‌گونه نیست. طالب نمی‌تواند همه را بکشد؛ اما با عملیات تروریستی در یک بخش می‌خواهد، بقیه را شکنجه‌ی روانی کنند.

۱. کارگری، نوروز و مهرا، نسرین، پیشین، ص ۷.

افزایش حملات و تشدید خشونت هیچ معنایی غیر از این ندارد که طالبان می‌خواهند قدرت چانه‌زنی‌شان را روی میز مذاکرات بلند ببرند. ترس از ترور و کشته‌شدن، ضمن آن‌که شهروندان را نسبت به کارکرد دولت ناراضی و بی‌اعتماد می‌سازد، آنان را به گروه‌های وحشت‌زده و مضطربی تبدیل می‌کند که گاهی ممکن است، سبب دست کشیدن آن‌ها از خواسته‌هایی شود که به‌عنوان یک ملت شایسته‌ی آن هستند. این وضعیت سبب می‌شود که اعتماد اجتماعی تخریب شود و جای آن‌ها را فضای بی‌اعتمادی و ناامیدی پر کند. بی‌اعتمادی که در نتیجه‌ی هراس افکنی به وجود می‌آید، مردم را از دولت دور می‌سازد و باعث می‌شود که هر یک از افراد جامعه تنها به امنیت خود فکر کند و اهداف شخصی‌اش را بر اهداف جمعی برتری دهد. در همین راستا است که طالبان با توسل به عمل ترور می‌خواهند که ما به‌عنوان یک ملت از اهداف اساسی‌مان که یک بخش آن حفظ ارزش‌های دو دهه‌ی پسین و حقوق اساسی شهروندی است، دست بکشیم و تنها به زنده ماندن قانع باشیم. با توجه با موارد فوق، اکنون به مواردی می‌پردازیم که در حال حاضر جریان دارد.

بعد از قتل فردین امامی، خبرنگار تلویزیون آریانا نیوز و چند تن دیگر چنان ترس و هراس به دل‌ها افگند که باعث فرار خبرنگاران ورزیده کشور گردید. همین‌طور یک تعداد اساتید دانشگاه‌های دولتی، خصوصاً کارمندان جامعه مدنی، شخصیت‌های مطرح سیاسی، زنان فعال در عرصه سیاسی و مدنی، سارنوالان، قاضیان، تاجران و افراد تأثیرگذار کشور مجبور به پناهندگی به کشورهای خارجی شدند؛ بنابراین آنچه شواهد و قرائن نشان می‌دهد در خصوص ایجاد ترس و وحشت، گروه طالبان با گروه تروریستی هم‌خوانی دارد.

گفتار سوم: تهدید دولت به فعل و یا ترک فعل به هدف رسیدن به حکومت

چنانچه که در شروع مبحث ذکر گردید، گروه تروریستی در کنار عملکرد ضدانسانی و ایجاد ترس در صدد کسب قدرت حکومتی می‌باشند تا از این طریق به‌صورت سیستماتیک اهداف خود را به شکل گسترده‌تر در داخل و خارج کشور به‌منظور تأمین منافع گروهی و تأمین منافع کشورهای خارجی تعقیب نمایند. به همین علت دولت‌های مشروع را تهدید به کناره‌گیری از قدرت می‌کنند تا خود به قدرت حکومتی دسترسی پیدا کند.

بعد از سقوط حکومت طالبان در سال ۲۰۰۱ تا به اکنون این گروه گاهی با ترور، گاهی با انتحاری، گاهی با انفجار... دولت جمهوری را تهدید کرده‌اند و همین‌طور همیشه بالای نیروهای خارجی فشار آورده‌اند تا افغانستان را ترک کنند چون می‌دانند که در نبود نیروهای خارجی و در تبانی با مسئولین درجه اول سیاسی می‌توانند قدرت حکومتی را صاحب شوند. پنج‌تن از اعضای گروه طالبان که مشمول محمد عباس ستانکزی، عبدالسلام حنیفی، شهاب‌الدین دلاور، ضیالرحمان مدنی و محمد سهیل شاهین در نشست دوحه به نمایندگی از گروه طالبان شرکت دارند. این نمایندگان می‌گویند که یگانه راه تأمین امنیت در افغانستان بیرون شدن نیروهای خارجی از این کشور است. محمدعباس ستانکزی، یکی از این نمایندگان طالبان گفت: "ما اکنون با آمریکاییان درباره‌ی بیرون شدن نیروهای‌شان از افغانستان گفت‌وگو می‌کنیم. وقتی درباره بیرون شدن نیروهای‌شان به یک

راه حل برسیم، به مرحله دوم گفت‌وگوها در میان افغان‌ها خواهیم رفت تا دریابیم که چگونه صلح بیاید".^۱ گروه طالبان تهدید به گسترش حملات تروریستی کردند و در مقابل خواهان رهایی طالبان اسیر شده از نزد حکومت افغانستان شدند و حکومت افغانستان با وساطت و فشارهای سیاسی و اقتصادی نماینده ایالات متحده آمریکا (زلمی خلیلزاد) وادار به رهایی بیش از ۵۰۰۰ طالب از زندان شد.^۲ اکنون طالبان خواهان رهایی تمامی زندانیان باقی‌مانده از نزد حکومت افغانستان شدند ورنه تهدید به ترک مذاکره کردند و بازهم معلوم می‌شود که حکومت را مجبور به پذیرش خواستشان می‌نمایند.

حقیقت اینکه با فشارها، گروه طالبان به دنبال رسیدن به قدرت حکومتی بودند که بلاخره در تباهی با حلقه‌های خارجی و داخلی توانستند دوباره وارد ارگ ریاست‌جمهوری شوند. قبل از سقوط نظام جمهوری، طالبان اشغال افغانستان و فساد مالی را دو دلیل عمده جنگ علیه نظام جمهوریت می‌خواندند؛ اما بعد از پیروزی نخستین کارشان این بود که دست به دامان آمریکایی‌ها زدند تا دولت آمریکا حکومت طالبان را به رسمیت بشناسد و حمایت مالی کند. دومین اقدام‌شان دعوت از فساد پیشه‌گان مالی به افغانستان می‌باشد که بزرگ‌ترین اختلاس‌گر حکومت جمهوری، فاروق وردک وزیر پیشین معارف معروف به مکتب‌های خیالی و صدیق چکری محکوم به اختلاس پول حجاج را به کابل پذیرایی کردند و هنوز هم تقلاً دارند که بزرگ‌ترین متقلب جمهوریت اشرف غنی را نیز به کابل مهمان‌نوازی کنند. با چنین عملکردهایی طالبان نشان دادند که آنچه را سرلوحه مبارزه خود قرار داده بودند همه فریب و بهانه‌ای بیش نبوده است.

با به قدرت رسیدن دوباره این گروه دیده شد که قوای مسلح کشور منحل، اقتصاد ملی ورشکست، زنان از حق تحصیل و مردان قوم خاص از حق کار محروم شدند. آزادی بیان وجود ندارد، با غیر طالبان به نحوی برخورد می‌شود گویی بردگان معاصر باشند، فرار مغزها صورت گرفت و در کل افغانستان به قرون‌وسطا به عقب کشانده شد. به هر صورت چنین نشانه‌هایی به‌صورت آشکار با مشخصات گروه تروریستی هم‌خوانی دارد.

در اخیر این مبحث، با توجه به کنوانسیون‌های بین‌المللی، قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و بخصوص دکترین حقوق بین‌الملل، نتیجه‌گیری می‌شود که مشخصات گروه طالبان به‌صورت کامل با مشخصات گروه تروریستی مطابقت دارند؛ بنابراین، گروه طالبان از جمله گروه‌های تروریستی محسوب شده و چنین گروهی حق حکومت کردن را ندارد.

^۱. <https://tolonews.com/fa/afghanistan/> برگزاری-نشست-مسکو؛ طالبان-خواهان-خروج-نیروهای-خارجی-از-کشور-شدند

^۲. <https://tolonews.com/fa/afghanistan/> برگزاری-نشست-مسکو؛ طالبان-خواهان-خروج-نیروهای-خارجی-از-کشور-شدند

مبحث سوم: بررسی مشابهت گروه طالبان با گروه مزدور و گروه شورشی از منظر حقوق

بین‌الملل

در این مبحث، نخست در گفتار اول، مشخصات گروه طالبان با گروه مزدور و در گفتار دوم مشخصات گروه طالبان با گروه شورشی مطابقت داده می‌شود.

گفتار اول: بررسی مشابهت گروه طالبان با گروه مزدور

تاریخ جهان پر از جنگ و سیطره‌طلبی غرب و شرق علیه همدیگر بوده و در سده‌ی اخیر اکثراً غرب بر کشورهای شرقی سیطره سیاسی و نظامی داشته است که بعد از جنگ جهانی دوم به‌وضوح معلوم گردید. کشورهای متفقین مانند ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و انگلستان از جمله کشورهای فاتح بشمار می‌روند که سیاست جهانی را در کنترل خود داشتند و از همین دلیل کشورهای متذکره به بهانه‌های مختلف به کشورها تجاوز می‌کردند و علاوه بر آن پنج کشور فاتح میان هم رقابت‌های تنگاتنگ داشتند چون نمی‌خواستند که یکدیگرشان از هم پیشی گرفته باعث تضعیف کشور رقیب گردد به همین لحاظ، زمانی که ایالات متحده آمریکا به ویتنام حمله نظامی می‌کند دولت شوروی سابق (روسیه امروز) مخالفت نشان داده و عملاً جنگ سرد را علیه ایالات متحده آمریکا در کشور ویتنام آغاز می‌نماید و درنهایت منجر به شکست نظامی ایالات متحده آمریکا در ویتنام شد که به لحاظ سیاسی یکدست آورد بزرگ به دولت شوروی سابق به حساب می‌آید؛ اما دیری نگذشت که دولت شوروی سابق در افغانستان حمله نظامی کرد و افغانستان را در اشغال خود قرارداد و این اشغال بهانه‌ای خوبی به ایالات متحده داد تا انتقام شکست ویتنام را از دولت شوروی سابق در افغانستان بگیرد، به همین دلیل دولت ایالات متحده آمریکا کمک‌های نظامی، مالی و ... را به مجاهدین آغاز نمود و شوروی سابق را در افغانستان شکست داد و عملاً شوروی سابق از هم پاشید و به روسیه امروز مبدل شد و قدرت جهانی در اختیار آمریکا قرار گرفت و رسماً قدرت برتر جهان شد و هژمونی جهان را در کنترل گرفت.

مبصرین سیاسی به این باور اند که؛ مجاهدینی که علیه شوروی سابق جنگیده بودند، جناح پیروز خود را قهرمان میدان دانسته، تابع خواست ایالات متحده آمریکا نشد و ایالات متحده آمریکا به‌خاطر حفظ هژمونی خود درصدد بدیل برای مجاهدین گردید که بالاخره طالبان را با کمک استخباراتی انگلستان، فتوای عربستان و تطبیق برنامه توسط پاکستان به وجود آورد. مرحومه بینظیر بوتو صدراعظم اسبق پاکستان و بن‌کلتن وزیر خارجه اسبق آمریکا به‌طور علنی از ایجاد طالبان توسط آمریکا پرده برداشت و راز شکل‌گیری طالبان را فاش ساخت.^۱

^۱. <https://m.youtube.com/watch?v=yzf9> (afghanpaper.com) سال از ظهور جنبش طالبان گذشت ۱۸ و

امروزه جذب افغانستانی‌ها در گروه فاطمیون می‌تواند نمونه‌ی خوبی از افراد مزدور باشد که در بدل پول و منفعت مادی در خدمت دولت ایران قرار گرفته‌اند و به لحاظ وابستگی زیاد فرقی با طالبان ندارند؛ چون یکی به منافع غربی می‌رزمد و دیگری به منافع شرقی.

اجمالاً ضوابط مزدوری در کنوانسیون ۱۹۸۹ ملل متحد تحت عنوان منع استخدام، به‌کارگیری، تأمین هزینه و آموزش مزدوری بیان شده است؛ در ماده ۱ این کنوانسیون، دو تعریف مدنظر قرار گرفته است، یکی به طور کامل، برگرفته از پروتکل الحاقی شماره ۱ ژنو و دیگری درصد گسترش مصادیق این تعریف برآمده است. پروتکل الحاقی برای شناسایی مزدور، چهار مشخصه را لازم می‌داند.

- تبعه یا مقیم سرزمین هیچ‌یکی از طرف‌های درگیری نباشد؛
- اختصاصاً در داخل کشور یا خارج از کشور به‌منظور نبرد در یک درگیری مسلحانه بین‌المللی استخدام شده باشد؛
- عملاً به طور مستقیم در یک درگیری مسلحانه بین‌المللی شرکت داشته باشد؛
- انگیزه‌ی وی از شرکت در درگیری مسلحانه بین‌المللی اساساً نفع شخصی باشد.^۱

در کل مزدور به‌خاطر منفعت شخصی حاضر می‌شود که به اردوی بیگانه یا به نیابت از اردوی بیگانه علیه دولتی جنگ و دشمنی کند. حالا مشخصات گروه مزدور با گروه طالبان به بررسی گرفته می‌شود تا دیده شود که در کدام جهات اشتراکات و در کدام جهات اختلاف دارند.

الف: تبعه و عضو مسلح کشور هیچ‌یک از طرف‌های درگیر نباشد

مشخصات و ویژگی‌های مزدور بیشتر در کنوانسیون‌های دهه‌های گذشته تسجیل شده است؛ ولی امروز ظاهراً قضیه متفاوت است؛ ولی ماهیت آن پابرجاست. در پروتکل شماره ۱ الحاقی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، مشخصات و شرایط مزدور به نحوی ذکر شده است که مقتضی همان زمان بوده؛ ولی امروزه با توجه به جنگ‌های نیابتی غرب و شرق یک گروه ممکن مزدور باشد؛ ولی با مشخصات متفاوت.

قرن بیست و بخصوص قرن بیست‌ویکم، عصر اتم و سلاح‌های هسته‌ی است که این پیشرفت نظامی باعث عدم رویارویی کشورهای هسته‌ای شده است؛ زیرا با جنگ رودررو و با استفاده از سلاح‌های هسته‌ای هیچ یک از کشورها در کره مریخ دیگر جا نخواهد داشت و حتی سبب انهدام و محو زمین از کره مریخ خواهد شد، بنابراین دولت‌های هسته‌ای نیاز دارند تا به طور غیرمستقیم در کشورهای دیگر مانند سوریه، عراق، یمن، اکراین و افغانستان بجنگند و از دید تحلیلگران امور سیاسی، میدان جنگ قرارگرفتن افغانستان بهترین شانس برای آمریکا به لحاظ هم‌سرحد بودن با کشور چین، ایران و نزدیک بودن با روسیه است. به همین دلیل به لحاظ

^۱. پروتکل الحاقی شماره ۱ سال ۱۹۷۷ ماده ۴۷.

سیاسی و نظامی طالبان شکل داده شد تا به نیابت از آمریکا و متحدانش در افغانستان بجنگند و یکی از دلایل تغییر موقعیت جنگ از جنوب به شمال افغانستان همین می‌باشد و همین‌طور عدم صلح‌پذیری و سیستم مافیایی و قاچاق مواد مخدر نشانه‌ای خوبی از به جنگ بردن افغانستان و حفظ منافع کشورهای خارجی در افغانستان است؛ بنابراین دو فرضیه مطرح می‌گردد اینکه:

۱. اگر جنگ افغانستان را جنگ کشورهای غربی و شرقی بدانیم در این صورت می‌شود که طالبان را گروه مزدور خواند؛ ولی ثابت کردن آن از مجاری قواعد بین‌المللی امریست ناممکن.

۲. اگر جنگ افغانستان را جنگ با گروه تروریستی بنامیم بازهم گروه طالبان در این کتگوری قرار نمی‌گیرد؛ ولی گروه‌های وابسته به طالبان بنام القاعده، داعش، گروه انصارالله به رهبری مهدی ارسلان تاجیکستانی، جنگجویان ازبکستانی و نیروهای پاکستانی و یا عرب که بنام جنگجویان طالب در افغانستان حضور داشتند و یا دارند و علیه جبهه مقاومت ملی در پنجشیر، اندارب‌ها و سایر مناطق می‌جنگند از جمله گروه مزدور محسوب می‌شوند که در همین ارتباط شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه سال ۲۰۰۲-م طالبان را محکوم به استفاده از گروه مزدور نموده بود.^۱

ب: استخدام به منظور کسب منافع شخصی

بیشتر از نود و نه فیصد مردم افغانستان مسلمان‌اند؛ ولی گروه طالبان، مردمان موجود در افغانستان را متهم به کفر و الحاد کرده، صرف خود را مسلمان می‌دانند درحالی‌که اکثریت این گروه به طور درست و دقیق از اسلام آگاهی ندارند و فقط به منظور تأمین اعاشه روزمره و منفعت شخصی به گروه طالبان پیوسته‌اند. همین اکنون هیئت مذاکره‌کننده حکومت افغانستان و بخصوص حفیظ منصور به کرات از گروه طالبان خواسته است که مشروعیت دینی جنگ خود را توضیح دهند مگر گروه طالبان تا به اکنون به دلیل نداشتن دلایل درست حاضر به مناظره نیستند.

در کره زمین اکثر مردمان وابسته به ادیان مختلف هستند، گروهی مسلمان، گروهی یهودی، گروهی مسیحی، گروهی بودائی و... ولی یک ارزش عمومی وجود دارد که همه در گروه آن‌اند که آن‌ها پول می‌نامند بناً، گروه طالبان عملاً وابسته به ارزش مادی هستند نه معنوی. دینی که اولین و نخستین حرفش سلام و سلامتی است، هرگز به ریختن خون انسانی موافق نمی‌باشد. اگر هدف گروه طالبان تحقق ارزش‌های دینی می‌بود بعد از پیروزی دست به دامان آمریکا نمی‌زدند و افراد فاسد و دوسیه‌دار نظام جمهوری را به آغوش نمی‌کشیدند.

^۱. قطعنامه شماره ۱۳۹۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد، مصوب ۲۲ جنوری ۲۰۰۲، مقدمه، پاراگراف ۷.

اگر امتیازات مادی گروه طالبان از نزدشان گرفته شود، ممکن فردا به حکومت افغانستان مدغم شوند. مثلاً؛ زمینه کشت و فروش مواد مخدر از بین برده شود، اجازه اخاذی‌ها داده نشود و حشر و زکات و استخراج غیرقانونی مافیایی معادن افغانستان منع شود و کمک کشورهای خارجی به طالبان منع گردد در این صورت هیچ انگیزه‌ای برای ادامه جنگ نمی‌ماند. جنگ طالبان امتیاز خیلی گزاف دارد که یک تعدادشان میلیونر شده در خارج افغانستان سرمایه‌گذاری نموده‌اند. به طور مثال عباس استانکزی در جرمنی، ملابرادر و ملاهبت الله در پاکستان و یکتعداد دیگرش در کشورهای امارات عربی زندگی و تجارت می‌نمایند.

در زمینه سؤالی که به‌عنوان اختتامیه این گفتار مطرح می‌گردد این است که نیروهای نظامی شرق و غرب در مقابل یکدیگر قرار نداشتند پس کی‌ها به‌خاطر منافع بلوک شرق و غرب جنگیدند؟ آیا استخدام‌شده بودند یا به‌خاطر رضای الله می‌رزمیدند؟ اگر جواب سؤالات فوق صادقانه و دقیق ارائه گردد بدون شک که وابستگی این گروه برملا خواهد شد. با آنهم به لحاظ قواعد بین‌المللی نمی‌شود طالبان را یک گروه مزدور ثابت کرد.

گفتار دوم: بررسی مشابهت گروه طالبان با گروه شورشی

شورشی یا *insurgency* از اسم شورش گرفته‌شده به لحاظ معنایی جنگ و اغتشاش را گویند و در اصطلاح عبارت از یک جنگ نظامی به‌منظور فروپاشی و یا تضعیف مشروعیت حکومت قانونی و یا حکومت گرفته‌شده با کودتا و در کل غیرقانونی می‌باشد.^۱

در حقوق بشردوستانه بین‌الملل شورشی چنین تعریف شده است "هرگاه اشخاص یا گروه‌های انسانی اعم از شهروند یا بیگانه به طور دسته‌جمعی و صرف‌نظر از هدف و منظوری که دارند، مسلحانه یا غیرمسلحانه علیه حکومت قانونی بپا خیزند و با تظاهرات و راهپیمایی و سایر اقدامات علنی، مخالفت خود را با حکومت قانونی اعلام کنند و موجب برهم‌زدن آرامش، امنیت و نظم عمومی جامعه گردند و در مقابل، مواجهه با اقدامات سرکوب‌گرایانه و برخوردهای خشونت‌بار نیروهای انتظامی شوند در این صورت آشوب و یا شورش داخلی تحقق یافته است"^۲ شورشی انواع گوناگون دارد که صرف دو مورد آن به معرفی گرفته می‌شود.

الف: شورشی اصلاح‌طلب

تجربه نشان داده است که تظاهرات و عکس‌العمل مدنی علیه حکومت از جمله کنش و واکنش شهروندان صلح‌جو و قانون‌پذیر جامعه می‌باشد که در حقوق بین‌الملل از آن حمایت شده است و گروهی که به‌خاطر بی‌نظمی و ناامنی جامعه دست به سلاح می‌برند معمولاً افراد ماجراجو و فرصت‌طلب هستند که با ایستادن علیه حکومت قانونی در صدد کسب امتیازات غیرقانونی می‌باشند. گروه طالبان از جمله گروه دومی هستند که دست به سلاح

^۱. Guide to analyses of insurgency. Published by U.S government, ۲۰۱۲. Accessible in Google.

^۲. Guide to analyses of insurgency. Published by U.S government, ۲۰۱۲.

برده باعث بی‌نظمی و بی‌ثباتی تمامی بخش‌های افغانستان شده‌اند. هدف گروه طالبان نه تنها بی‌نظمی که سرنگون کردن حکومت است تا برای خودشان جای حکمروایی خالی گردد.

در تعریف شورشی، منظور از ایستادن در مقابل حکومت می‌تواند دو مفهوم داشته باشد؛ یکی ایستادن به‌خاطر وارد نمودن اصلاحات در عملکرد و یا قوانین حکومتی و دوم اینکه؛ ایستادن و مخالفت کردن به‌منظور سرنگونی حکومت و از بین بردن منافع استراتژیک دولتی به‌خاطر منافع کشورهای بیرونی باشد که متأسفانه تاریخ و عملکرد گروه طالبان نشان داده است که این گروه در صدد سقوط حکومت به منافع کشورهای بیرونی بوده‌اند.

در عصر معاصر در کشورهای جهان اول، دوم و حتی سوم اگر مردمانش از حکومت ناراضی باشند می‌توانند مطابق به قانون نافذ کشور تجمع کرده اظهار عقیده نمایند و مطالبات خود را از حکومت بخواهند؛ چنانچه که تظاهرات تبسم به تاریخ ۲۱ عقرب ۱۳۹۵ در کابل برگزار شد که ده‌ها هزار نفر اشتراک کردند؛ ولی طالبان تا به اکنون با چنین روحیه و رویه‌ای خو و عادت نکرده‌اند.

ب: شورشی تجارتي

. امروزه گروه طالبان از طریق حشر و زکات، کشت و قاچاق مواد مخدر، اخاذی پول صرفیه برق در مناطق تحت کنترلشان، دریافت پول از شرکت‌های تجارتي و اکمالاتی، دریافت پول از کشورهای منطقه و جهان به دنبال کسب منافع هستند.

شبکه‌های قدرتمند مواد مخدر عمدتاً توسط خانواده‌های نزدیک به گروه طالبان و قبایل اداره می‌شوند. قاچاقبران مواد مخدر برای طالبان سلاح، بودجه و دیگر وسایل مهیا می‌سازند و در مقابل حفاظت می‌خواهند و رهبران طالبان مواد مخدر را قاچاق می‌کنند تا عملیات خود را از نگاه مالی، کمک کرده باشند. هنوز هم افغانستان از بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده تریاک به حساب می‌رود که نزدیک به هشتاد درصد از هروئین جهان را تولید می‌کند. جان سوپکو، رئیس سیگر توصیه کرده است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا یک راهبرد مبارزه با مواد مخدر را به‌منظور کاهش تجارت غیرقانونی که بخش عمده از درآمد طالبان را مهیا می‌سازد را ایجاد کند.^۱ بیانات رییس سیگر بیانگر افزایش روزافزون مواد مخدر بوده و فیصدي کشت مواد مخدر نسبت به زمان طالبان به‌مراتب افزایش یافته است.^۲ همین‌طور سازمان ملل متحد در یک اعلامیه خود به‌صراحت بیان داشت که طالبان اکثریت مصارف خود را از کشت و فروش مواد مخدر به دست می‌آورند.^۳

^۱. رکورد تازه افغانستان در تولید مواد مخدر، قابل‌دسترسی در <https://www.tolonews.com/fa/afghanistan/>

^۲. united nation office on drug and crime, Afghanistan opium survey ۲۰۱۸ cultivation and production.

^۳. <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-۴۶۶۷۹۷۱۴>.

افغانستان به دلیل ژئوپلیتیک خود برای کشورهای متخاصم بهترین مکان است که آمریکا با روسیه رقابت کند، عربستان سعودی و سایر کشورهای عرب‌نشین با ایران و همین‌طور به‌خاطر کنترل اذهان عمومی شهروندان کشورهای عربی ناگزیر هستند که امور امنیتی افغانستان را مختل نمایند تا دموکراسی را بی‌نتیجه و بی‌پایه اعلام کنند و از روشن شدن اذهان مردم عرب علیه زمامداران خود جلوگیری کرده باشند به همین دلیل کشورهای پاکستان، ایران، عربستان سعودی، قطر، امارات، روسیه و کشورهای فرامنطقوی مانند ایالات متحده آمریکا (بخصوص شرکت‌های آمریکایی مستقر در افغانستان) و انگلستان از جمله کشورهای هستند که اکثراً به‌صورت غیرمستقیم بخشی از طالبان (طرفداران خود را) تمویل می‌نمایند.

سی‌ای‌ای یا مرکز استخباراتی ایالات متحده آمریکا اعلام داشت که طالبان در سال ۲۰۰۸-م تنها از کشورهای خلیج فارس ۱۰۶ میلیون دالر به دست آورده‌اند و در یک روایت دیگر از طرف همین کشورها سالانه تا ۵۰۰ میلیون دالر حمایت مالی می‌شوند.^۱ شهروندان کشور پاکستان و چندین کشور خلیج از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر بزرگ‌ترین تمویل کنندگان طالبان دانسته شده‌اند. استخبارات عربستان و قطر خود اظهار نمودند که طالبان را سال‌هاست به درخواست پاکستان حمایت مالی می‌کنند، همچنان اظهار نمودند که در سال‌های گذشته میلیون‌ها دالر به درخواست پاکستان به دو دلیل به طالبان کمک کرده‌اند، یکی جنگ با دموکراسی آمریکایی و جلوگیری از پیشرفت و گسترش دولت ایران در خاورمیانه می‌باشد.^۲

همین‌طور در سال ۲۰۰۶ پاکستان در فهرست کشورهای تمویل کنند تروریسم شامل شد.^۳ ضمناً حامد کرزی، اشرف غنی رؤسای پیشین افغانستان، مارشال فهیم، احمد ضیا مسعود، امرالله صالح به‌عنوان معاونین اول ریاست جمهوری، دکتر اسپن‌تار رئیس شورای امنیت و قوماندان عبدالرازق قوماندان امنیه قندهار به‌کرات پاکستان را به تمویل مالی و تسلیحاتی طالبان متهم نمودند.^۴ امروزه دیده می‌شود کسانی که از مدارس پاکستان فارغ می‌شوند همه دیدگاه افراطی نسبت به حکومت افغانستان داشته و اکثریت‌شان علیه حکومت افغانستان می‌جنگند تا منافع پاکستان در منطقه تأمین گردد.

ناگفته هویداست که کشورهای فرامنطقوی نیز در قسمت تمویل طالبان سهم خود را داشته‌اند تا علیه رقیب خود یعنی کشور روسیه، چین و ایران تهدیدات غیرمستقیم خود را داشته باشند. به همین منظور به‌صورت غیرمستقیم در قسمت برداشت حاصلات مواد مخدر و معادن افغانستان با طالبان اغماض می‌نمایند و به نحوی برخورد صورت می‌گیرد که گویا مقصر حکومت افغانستان است نه نیروهای تا دندان مسلح آمریکایی و

^۱. <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-۴۶۶۷۹۷۱۴>.

^۲. <https://howd.org/index.php/۴۴-۲۲-۱۱> طالبان چگونه تمویل مالی و مهمات می‌شوند

^۳. <https://da.azadiradio.com/a/۲۹۳۲۵۶۸۷.html>.

^۴. <https://tolonews.com/afghanistan/regional-countries-funding-taliban-kandahar-police-chief>.

ناتو. نه تنها که دولت ایالات متحده آمریکا در قسمت منع کشت مواد مخدر کار نکرده‌اند علاوه بر آن شرکت‌های امنیتی، لوژستیکی و ساختمانی آمریکایی در افغانستان به خاطر تأمین امنیت‌شان به طالبان باج‌دهی کرده‌اند.^۱ طالبان به دریافت کمک‌های مالی از طرف کشورهای منطقه و فرامنطقوی قناعت ننموده به چشم به معادن افغانستان دوختند که در این قسمت می‌توان از معادن ذیل نام برد که از طرف طالبان اداره و یا جزیه اخذ می‌گردد: معدن لاجورد بدخشان، معدن طلای راغستان، معادن لیتیم هلمند، فروش چوب جنگلات خوست، پکتیا و پکتیکا، زغال سنگ بغلان، اخاذی گیری از ترانسپورتیشن‌های اکمالاتی شمال به کابل، جنوب به کابل و برعکس آن. دریافت پول صرفیه برق مناطق تحت کنترلشان، حشر و زکات از مردم^۲ همه موارد پول‌ساز برای طالبان استند که متأسفانه حکومت ایالات متحده آمریکا به‌عنوان حامی و ناجی دولت افغانستان نه خودش دست بکار می‌شود و نه دولت افغانستان را دستگیری می‌کند.

با توجه به اینکه گروه طالبان هیچ زمانی به‌صورت مسالمت‌آمیز عمل نکرده‌اند و همیشه عملکردشان بر بنیاد امتیاز طلبی بوده به همین خاطر گروه طالبان به نحوی هم‌خوانی با گروه شورشی تجارتنی دارند.

^۱. <https://www.thenation.com/articale/archive/how-us-funds-taliban>.

^۲. <https://howd.org/index.php/۴۴-۲۲-۱۱> طالبان چگونه تمویل مالی و مهمات می‌شوند

خلاصه مشابهت و مطابقت گروه طالبان را می‌تواند در چارت ذیل مشاهده کرد:

شماره	نام	عملکرد	ایجاد ترس و وحشت در جامعه	فعل و ترک فعل	نتیجه
۱	نهضت‌های آزادی‌بخش ملی	طبق قواعد بین‌المللی	ندارند	در جهت بهبود کشور	با توجه به مطابقت مشخصات گروه تروریستی با گروه طالبان، این گروه از جمله گروه‌های تروریستی محسوب می‌گردد.
۲	گروه تروریستی	خلاف قواعد بین‌المللی	جز استراتژی جنگی شان بود	در جهت خرابی کشور به منظور رسیدن به قدرت حکومتی	
۳	گروه مزدور	خلاف قواعد بین‌المللی	ندارند	کنش و واکنش شان در اختیار کشورهای خارجیست.	
۴	گروه شورشی	خلاف قواعد بین‌المللی	ندارند	در جهت خلاف منافع کشور	
۵	گروه طالبان	خلاف قواعد بین‌المللی	دارند	در جهت خرابی کشور به منظور رسیدن به قدرت حکومتی	

فصل سوم

تعقیب عدلی و قضایی گروه طالبان

مبحث اول: تعقیب عدلی و قضایی گروه طالبان در محاکم ملی و بین‌المللی

همان‌طوری که تاریخ بشریت نشان داده است، گروه‌هایی که به‌خاطر مادروطن و رهایی از استعمار و استثمار با نیروهای نظامی اجنبی جنگیدند و در زمان نبرد با اسیران طرف متخاصم و افراد ملکی به نحو احسن رفتار نمودند، مورد تقدیر و تمجید قرار گرفته‌اند و برعکس گروه‌هایی که بر ضد منافع ملی کشور خود جنگیدند و در جریان جنگ قواعد بین‌المللی را رعایت نکرده و باعث صدمه به افراد ملکی و نظامی گردیدند چنین گروهی در سطح بین‌الملل مورد انتقاد و سرزنش قرار گرفته و علاوه بر آن مجازات نیز شده‌اند.

محکمه بین‌المللی نورنبرگ، یوگسلاوی، توکیو و رواندا، بیانگر مجازات افرادی هستند که مرتکب جرایم بین‌المللی شده بودند و اعمالی را که گروه طالبان مرتکب شدند شبیه کسانی‌ست که در محاکم یادشده محکوم به مجازات گردیدند.

در سطح ملی و بین‌المللی اصل حقوقی تحت عنوان اصل (مجازات مجرم) به‌صورت عمومی مورد قبول نظام‌های حقوقی دولت‌ها قرار گرفته و هر فردی که در هر جای از دنیا جرمی را مرتکب شود باید مجازات گردد؛ حالا که مشخص گردید فعالیت‌های گروه طالبان به سبب مرتکب‌شدن اعمال تروریستی، جرم محسوب می‌گردد؛ بنابراین، طبق اصل حقوق داخلی و قواعد بین‌المللی باید پیرامون مجازات این گروه در سطح ملی و بین‌المللی تمهیداتی را روی دست گرفت.

گفتار اول: تعقیب عدلی و قضایی گروه طالبان در مراجع ملی

پیرامون تعقیب عدلی و قضایی اعضای گروه طالبان کشورها اقدام کردند؛ ولی اقدامشان از یک‌طرف سیاسی و از طرف دیگر در خلاف قواعد بین‌المللی بوده است؛ مثلاً، دولت آمریکا ملا خیرالله خیرخواه وزیر اطلاعات و فرهنگ، عبدالحق وثیق رئیس امنیت ملی، نورالله نوری وزیر سرحدات، فاضل مظلوم معاون وزارت دفاع، مالی خان معاون امنیت ملی، نبی عمری والی، ملا عبدالسلام ضعیف سفیر اسبق در پاکستان، حاجی بشر نورزی قاجا قبر بین‌المللی مواد مخدر و حامی مالی گروه طالبان و یک تعداد دیگر اعضای گروه طالبان را در زندان گوانتانامو به اتهام اعمال تروریستی محبوس کرد. دولت آمریکا می‌بایست افراد متذکره را جهت محاکمه به محکمه بین‌المللی کیفری تسلیم می‌نمود مگر بر خلاف قواعد بین‌المللی، دست‌به‌کار شد.

همین‌طور دولت انگلستان در سال ۲۰۰۲ شخصی را بنام قوماندان زرداد در لندن زندانی نمود و از دولت افغانستان جوایب معلومات در خصوص این شخص شد و دولت وقت در زمینه معلومات ارائه نمود و علاوه بر آن دولت انگلستان خبرنگاری را به‌خاطر مستندسازی جرائم قوماندان زرداد به کابل فرستاد و بعد از تکمیل اسناد و شواهد، محکمه لندن بر اساس قوانین کشوری خود حکم ده سال حبس را به زرداد فریادی صادر نمود و بعد از ختم حبس، وی را به کابل فرستاد.

همین‌طور دولت اسلامی ایران نیز در خصوص جرائم تروریستی احکام خیلی شدیدی تا حد اعدام پیش‌بینی کرده است؛ چنانکه که عبدالمالک ریگی را به جرم اعمال تروریستی به دار آویختند.^۱

خوشبختانه فصل دوم کد جزای افغانستان نیز به موضوع تروریسم اختصاص یافته و در خصوص اعمال تروریستی جرم‌انگاری نموده است و به همین اساس حمله انتحاری، معاونت در حمله انتحاری، انفجار، زهرآلود ساختن مواد غذایی، حمل و انتقال مواد انفجاری، تخریب تأسیسات عمومی، گروگان‌گیری، قتل اشخاص خارجی دارای مصونیت، حمله بر طیاره و کشتی و تمویل تروریسم را از جمله اعمال تروریستی دانسته و برای هر یک مجازات مستقل تعیین نموده است.^۲ با توجه به کد جزای افغانستان، قوه قضاییه دولت افغانستان هزاران تن از افراد گروه طالبان را به جرم ارتکاب اعمال تروریستی محکوم به زندان نموده و با در نظر داشت ناتوانی و مداخلات کشورهای خارجی، دولت افغانستان می‌تواند از محکمه بین‌المللی کیفری، محاکمه سایر اعضای این گروه را درخواست نماید و اگر دولت افغانستان بنا بر ملحوظاتی از این کار ابا می‌ورزد، خود محکمه بین‌المللی کیفری می‌تواند مستقیماً وارد عمل شود.

گفتار دوم: تعقیب عدلی و قضایی گروه طالبان در مراجع بین‌المللی

در سطح بین‌المللی رسیدگی به جرائم بین‌المللی مانند جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی، نسل‌کشی و تجاوز از جمله مواردی است که محکمه بین‌المللی کیفری صلاحیت رسیدگی آن را دارد. جهت آغاز تعقیب قضایی، سه مرجع صلاحیت پیشنهاد را به محکمه دارند. نخست؛ دولت متبوع، یعنی دولتی که در آن جرم اتفاق افتاده است و توان مجازات مجرمین را ندارد. دوم؛ شورای امنیت سازمان ملل متحد و سوم؛ خود محکمه بین‌المللی کیفری می‌باشد و می‌تواند مستقیماً وارد قضیه شود.

در پیوند به گروه طالبان، شورای امنیت سازمان ملل متحد به تعداد ۱۵ تن از مقامات ارشد گروه طالبان را ممنوع‌السفر ساخته است؛ ولی به بهانه‌های مختلف هنوز هم اجازه سفر دارند.^۳ علاوه بر آن، سراج‌الدین حقانی رهبر شبکه حقانی به‌عنوان وزیر داخله ایفای وظیفه می‌کند و آزادانه در کابل زندگی دارد در حالی که وی به‌خاطر جرایم تروریستی در فهرست سیاه سازمان استخباراتی آمریکا قرار دارد و به‌خاطر دریافت معلومات پیرامون محل بودوباش وی یک میلیون دالر جایزه نقدی اختصاص داده شده است.^۴ به همین ترتیب معاون برحال دافغانستان بانک مشهور به مولوی نور احمد آغا نیز در لست سیاه ایالات متحده آمریکا قرار دارد. متأسفانه شواهد و مدارک گواه بر اغماض و تعامل شورای امنیت سازمان ملل با طالبان می‌باشد. موضوع جالب‌تر

^۱. https://fa.wikipedia.org/wiki/دستگیری_و_ابهامات_عبدالمالک_ریگی#نحوه

^۲. کد جزای افغانستان، مصوب ۱۳۹۶، ماده ۲۸۰.

^۳. [United Nations Security Council Consolidated List | United Nations Security Council](https://www.un.org/press/docs/2011/11032011sc761.html)

^۴. [Counterterrorism Guide - National Counterterrorism Center \(dni.gov\)](https://www.dni.gov/cyber/cyberterrorism/cyberterrorismguide/)

اینکه؛ بر بنیاد توافق نامه دوحه، ایالات متحده آمریکا مانع تعقیب عدلی و قضایی بیش از ۵۰۰۰ اعضای گروه طالبان شد که به اتهام اعمال تروریستی در زندان‌های افغانستان به سر می‌بردند.^۱

در قرن بیست همانند جنایت گروه طالبان گروه‌های بودند که جنایت کردند و در نهایت توسط سازمان ملل متحد در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه گردیده مجازات شدند. دادگاه بین‌المللی نورنبرگ، دادگاه بین‌المللی توکیو، دادگاه بین‌المللی رواندا و دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق از جمله محاکمی بودند که به‌خاطر مجازات مجرمین تشکیل شده بود؛ ولی تا به اکنون ما شاهد محاکمه شدن حتی یک عضو گروه طالبان در محکمه بین‌المللی نبوده‌ایم.

مبحث دوم: تعهدات دولت‌ها در قبال گروه طالبان

بر بنیاد قطعنامه شماره ۱۳۷۳ مورخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد و قطعنامه بخارست ۲ دسامبر ۲۰۰۱ گروه‌های تروریستی باید از کمک‌های مالی و تسلیحاتی منع شده و دولت‌ها اجازه شناسایی سیاسی چنین گروهی را ندارند. اینکه موارد فوق چگونه صورت می‌گیرد، هریک به‌صورت جداگانه شرح می‌گردد:

گفتار اول: منع کمک‌های مالی و تسلیحاتی به گروه طالبان

تخمین زده‌شده که هزینه عملیاتی اقدامات ۱۱ سپتامبر بالغ بر پانصد تا ششصد هزار دالر بوده که از کشور امارات متحده عربی برای تروریست‌ها در آمریکا ارسال شده که این مبلغ در ۲۴ حساب بانکی متفاوت و در ۴ بانک مختلف در جریان بوده. از معدود مواردی که جامعه بین‌المللی از همان روزهای نخست پس از حوادث ۱۱ سپتامبر بر سر آن وحدت نظر داشت، این بود که نبرد علیه تروریسم جز ردیابی یا یافتن سرچشمه‌هایی تأمین مالی گروه‌های تروریستی و جلوگیری از کمک‌رسانی مالی منابع زیرزمینی به عملیات تروریستی نتیجه‌بخش خواهد بود.^۲ این موضوع اهمیت مبارزه با تأمین مالی تروریسم را مشخص می‌سازد. تأمین‌کنندگان مالی سازمان‌های تروریستی و تروریست‌ها هم می‌توانند عوامل دولتی باشند که این‌گونه کمک‌ها را در زمره بودجه کشور قرار می‌دهند و هم عوامل غیردولتی یا خصوصی که به‌صورت پنهانی و یا آشکار گروه تروریستی را تمویل نمایند. مزید بر آن، گروه‌های تروریستی از دو طریق پول بدست می‌آورند.

- وجوه و درآمدهای قانونی و مشروع،
- وجوه و درآمدهای غیرقانونی و نامشروع.

^۱. متن کامل توافقنامه صلح میان آمریکا و طالبان (khaama.com)

^۲. نورتون، ژوزفجی؛ و شمس، هبا، قانون پول‌شویی و تأمین منابع مالی تروریسم: واکنش‌هایی پس از یازدهم سپتامبر، ترجمه محمدجواد میر فخرایی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۹، ۱۳۸۲، ص ۲۱۶.

وجوه مشروع معمولاً از طریق حبه امور خیریه و عواید دیگر به دست آمده و وجوه نامشروع از طریق برخی اقداماتی که در سطح داخلی و سطح بین‌المللی غیرقانونی و مجرمانه تلقی می‌شود، مانند: قاچاق مواد مخدر، تجارت غیرقانونی سلاح، خرید و فروش کالاهای قاچاق و... می‌باشد. وجوه و عواید ناشی از این گونه فعالیت‌ها به هر شکل ممکن بایستی مسدود شوند، حتی اگر ثابت نشود که قرار است صرف اقدامات تروریستی می‌گردند، اما وجوه و عواید مشروع تنها در صورتی قابل انسداد هستند که قرار است در عملیات تروریستی به کار برده شوند. هم‌اکنون بخصوص پس از حوادث یازدهم سپتامبر بسیاری از کشورها پول‌شویی را به عنوان پدیده‌ای مجرمانه تلقی کرده و برای مرتکبان آن مجازات تعیین نموده‌اند.^۱ بنابراین ایجاد راهکارهایی برای مبارزه با پول‌شویی در رابطه به عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر و اقدامات مجرمانه و نیز انجام هرگونه اقدام به منظور خشکاندن منابع مالی تروریسم ضروری به نظر می‌رسد و این مهم حاصل نمی‌شود جز از طریق اقدامات هماهنگ و منسجم در سراسر جهان.

اگرچه تا پیش از وقوع ۱۱ سپتامبر سازمان ملل متحد، بخصوص با تصویب کنوانسیون مربوط به سرکوب تأمین مالی تروریسم و نیز تصویب قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های متعدد دیگر اقدامات خوبی را در جهت تحقق اهداف فوق انجام داد، لیکن عدم استقبال دولت‌ها از این کنوانسیون و بی‌توجهی آنان نسبت به اهمیت مسئله تأمین مالی تروریسم باعث شد سرانجام شورای امنیت در قطعنامه ۱۳۷۳ سال ۲۰۰۱ کلیه مکانیسم‌ها و ابزارهای موجود جهت مبارزه با تأمین مالی تروریسم را در قالب دولت‌ها تحمیل نمایند. گستردگی ابعاد حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و حجم امکانات و منابع تخصیص‌یافته برای اجرای آن نشان می‌دهد که تا چه اندازه نگرانی از تأمین و تقویت مالی گروه‌ها و سازمان‌های به‌جا و قابل‌درک است. قطعنامه ۱۳۷۳ که به دنبال وقوع این حوادث صادر شده، خشکاندن سرچشمه‌های تأمین مالی تروریسم را به‌عنوان راه اصلی مبارزه با تروریسم بین‌المللی در کانون توجه خود قرار داده است. در مقدمه این قطعنامه، شورای امنیت "به‌ضرورت تقویت و افزایش همکاری‌هایی بین‌المللی دولت‌ها جهت مسدود نمودن و از میان بردن منابع مالی و سایر امکانات ارتکاب فعالیت تروریستی" تأکید کرده است. عمده تعهداتی که شورای امنیت در چارچوب این قطعنامه جهت مقابله و تأمین مالی تروریسم ایجاد نموده همان است که کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به جلوگیری و سرکوب تأمین و تقویت مالی تروریسم مصوب ۱۹۹۹ مقرر کرده است. چنین اقدامی از سوی شورای امنیت، چنان‌که گفته شده رویه‌ای بی‌سابقه بشمار می‌آید. شورای امنیت در این قطعنامه و بر اساس فصل هفتم منشور اعلام می‌دارد که تمام دولت‌ها باید:

- از تأمین مالی اعمال تروریستی جلوگیری و آن را متوقف کنند؛

^۱. خمایی زاده، فرهاد، مبارزه با پول‌شویی در بانک‌ها و مؤسسات مالی، نگاهی به قانون ضد تروریسم ایالات‌متحده آمریکا، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۹، ۱۳۸۲، ص ۸.

- جمع‌آوری داوطلبانه کمک‌های مالی را از هر طریق مستقیم و غیرمستقیم توسط اتباع خود یا در قلمرو خود به منظور استفاده در جهت اعمال تروریستی عملی مجرمانه قلمداد کنند؛
- بدون تأخیر، منابع مالی و اقتصادی و سایر دارایی‌هایی کسانی را که مرتکب اعمال تروریستی می‌شوند یا در صدد ارتکاب آن هستند یا ارتکاب اعمال تروریستی مشارکت یا آن‌ها تسهیل می‌کنند، مسدود نمایند؛
- منابع مالی یا امکانات اقتصادی و دیگر دارایی‌ها را که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به این افراد تعلق دارد یا در اختیار آنان است، فوری مسدود کنند؛
- منابع مالی و اقتصادی و دارایی‌هایی اشخاص و نهادهایی را که از طرف یا به دستور از این قبیل افراد و نهادها عمل می‌کنند، فوری مسدود کنند، از جمله دارایی‌های فراهم‌شده از منابع اقتصادی‌ای که مستقیم یا غیرمستقیم به این قبیل افراد و نهادهایی وابسته تعلق دارند؛
- اتباع خود یا هر شخص یا نهاد در قلمرو خود را از ارائه امکانات مالی و هرگونه خدمات اقتصادی مستقیم یا غیرمستقیم به اشخاصی که مرتکب اعمال تروریستی می‌شوند یا در صدد ارتکاب تسهیل آن هستند، منع کنند، این ممانعت باید شامل نهادهای وابسته به تشکیلات تروریستی نیز بشود،
- از پناه‌دادن به کسانی که اعمال تروریستی را پشتیبانی مالی می‌کنند خودداری کنند؛
- مانع استفاده از قلمرو خود بر ضد شهروندان خود یا سایر کشورها توسط کسانی شوند که اقدامات تروریستی را حمایت مالی می‌نماید؛
- از این که هر کس در پشتیبانی مالی از اعمال تروریستی شرکت دارد به دست عدالت سپرده می‌شود، اطمینان حاصل کنند،
- در تحقیقات جنایی یا رسیدگی‌های کیفری مربوط به حمایت‌های مالی و غیرمالی از اعمال تروریستی بیشترین همیاری را با یکدیگر مبذول دارند. بدین ترتیب شورای امنیت در دو قالب با تأمین مالی تروریسم به مقابله پرداخته:

✓ ایجاد هنجارهای بین‌المللی برای مبارزه با تأمین مالی تروریسم،

✓ انسداد دارایی تروریست‌ها و سازمان‌های تروریستی.^۱

دیده می‌شود که گروه طالبان با وصف اعمال تروریستی در این تحریم‌ها به شکل آشکار و قاطع قرار نگرفته و از دولت‌ها به طور مستقیم وجه نقد دریافت می‌کنند. سی‌ای‌ای در یکی از گزارشات خود اذعان می‌دارد که گروه طالبان در سال ۲۰۰۸- م تنها از کشورهای خلیج فارس ۱۰۶ میلیون دالر به دست آورده‌اند و

۱. Resolution ۱۳۷۳, ۲۰۰۱, September ۱۸.

در یک روایت دیگر از طرف همین کشورها سالانه تا ۵۰۰ میلیون دالر حمایت مالی می‌شوند.^۱ شهروندان کشور پاکستان و چندین کشور خلیج از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر بزرگ‌ترین تمویل کنندگان طالبان دانسته شده‌اند. استخبارات عربستان و قطر خود اظهار نمودند که طالبان را سال‌هاست به درخواست پاکستان حمایت مالی می‌کنند، همچنان اظهار نمودند که در سال‌های گذشته میلیون‌ها دالر به درخواست پاکستان به دو دلیل به طالبان کمک کرده‌اند، یکی جنگ با دموکراسی آمریکایی و جلوگیری از پیشرفت و گسترش دولت ایران در خاورمیانه می‌باشد.^۲

همین‌طور در سال ۲۰۰۶ پاکستان در فهرست کشورهای تمویل کنند تروریسم شامل شد.^۳ ضمناً حامد کرزی، اشرف غنی رؤسای جمهور پیشین افغانستان، مارشال فهیم، احمد ضیا مسعود، امرالله صالح به‌عنوان معاونین اول ریاست‌جمهوری، دکتر اسپن‌تا رئیس شورای امنیت و قوماندان عبدالرازق قوماندان امنیه قندهار به‌کرات پاکستان را به تمویل مالی و تسلیحاتی طالبان متهم نمودند.^۴

ناگفته‌ه‌ویداست که کشورهای فرامنطقوی نیز در قسمت تمویل طالبان سهم خود را داشته‌اند تا علیه رقیب خود یعنی کشور روسیه، چین و ایران تهدیدات غیرمستقیم خود را داشته باشند. به همین منظور به‌صورت غیرمستقیم در قسمت برداشت حاصلات مواد مخدر و معادن افغانستان با طالبان اغماض می‌نمایند و به نحوی برخورد صورت می‌گیرد که گویا مقصر حکومت افغانستان است نه نیروهای تا دندان مسلح آمریکایی و ناتو. نه‌تنها که دولت ایالات متحده آمریکا در قسمت منع کشت مواد مخدر کار نکرده علاوه بر آن شرکت‌های امنیتی، لوژستیک و ساختمانی آمریکایی مقیم افغانستان به‌خاطر تأمین امنیت‌شان نیز به طالبان باج‌دهی کرده‌اند.^۵ جالب‌تر اینکه بشر نوزی یکی از قاچاقبران بین‌المللی مواد مخدر به وساطت ملا یعقوب وزیر دفاع گروه طالبان از زندان گوانتانامو رها شد و طالبان همانند یک قهرمان در میدان هوایی از وی استقبال کردند.^۶

طالبان به دریافت کمک‌های مالی از طرف کشورهای منطقه و فرامنطقوی قناعت ننموده چشم به معادن افغانستان دوختند که در این قسمت می‌توان از معادن ذیل نام برد که از طرف طالبان اداره و یا جزئیه اخذ می‌گردد: معدن لاجورد بدخشان، معدن طلای راغستان ولایت بدخشان، معادن لیتیم هلمند، فروش چوب جنگلات خوست، پکتیا و پکتیکا، زغال‌سنگ بغلان، اخادی گیری از ترانسپورتیشن‌های اکمالاتی شمال به کابل، جنوب به کابل و برعکس آن. دریافت پول صرفیه برق مناطق تحت کنترل‌شان، دریافت جزیه از شرکت‌های

^۱. <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-۱۶۶۷۹۷۱۴>.

^۲. <https://howd.org/index.php/۴۴-۲۲-۱۱> طالبان چگونه تمویل مالی و مهمات می‌شوند

^۳. <https://da.azadiradio.com/a/۲۹۳۲۵۶۸۷.html>.

^۴. <https://tolonews.com/afghanistan/regional-countries-funding-taliban-kandahar-police-chief>.

^۵. <https://www.thenation.com/articale/archive/how-us-funds-taliban>.

^۶. [YouTube - بحث روز: آمریکا بشر نوزی را چگونه و در بدل چه آزاد کرد؟](#)

مخابراتی مانند شرکت افغان بی‌سیم، روشن، اتصالات، ام تی ان. حشر و زکات از مردم^۱ همه موارد پول‌ساز برای طالبان هستند که متأسفانه حکومت ایالات متحده آمریکا به‌عنوان حامی و ناجی دولت افغانستان نه خودش دست بکار می‌شود و نه دولت افغانستان را دستگیری می‌کند.

گفتار دوم: منع حمایت تبلیغاتی و شناسایی گروه طالبان

طالبان در جنگ تبلیغاتی علیه دولت افغانستان و نیروهای امنیتی و همچنین نیروهای خارجی مستقر در این کشور از فضای مجازی و اینترنت به طور گسترده استفاده می‌کنند. بدون تردید فعالیت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی طالبان بیش از حرکت نظامی آن‌ها تأثیرگذار بوده است. همین بخش از فعالیت‌های طالبان باعث شده تا کوچک‌ترین تحرک این گروه در صدر اخبار جمعی قرار گیرد.

گروه طالبان چندین وبسایت دارند و بیشتر تبلیغات خود را از همین طریق انجام می‌دهند. خبرنامه‌ها، اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها و پیام‌های خود را توسط پست الکترونیکی و تلفن همراه به خبرنگاران و رسانه‌ها شریک می‌سازند. طالبان از دامنه و فضای مجازی با مرکزیت آمریکا و کانادا استفاده می‌نمایند، اگر عزم جدی برای سرکوب طالبان در افغانستان از سوی حکومت و یا کشورهای خارجی مدعی مبارزه با تروریسم وجود داشته باشد به راحتی می‌توان جلو فعالیت رسانه‌ای و تبلیغاتی طالبان و سایر گروه‌های تروریستی را گرفت.

علاوه بر این، گروه طالبان در این اواخر توانسته است از طریق شبکه‌های اجتماعی، وبسایت‌هایی بانام‌های مختلف، ایمیل و تلفن همراه، خبرها و اعلامیه‌های خود را به زبان‌های فارسی دری، پشتو، انگلیسی، اردو و عربی هم‌زمان به ده‌ها خبرنگار محلی و بین‌المللی بفرستد. آن‌ها امروزه حتی به طرح و انتشار انواع اینفوگرافیک، یکی از قدرتمندترین ابزارهای پویانمایی را نیز در جمع رسانه‌های خود اضافه کرده و بر این اساس میزان بازدیدکنندگان خود را افزایش داده‌اند.^۲

پایگاه‌های اینترنتی الاماره، صدای جهاد، امارت اسلامی، مجله الصمود، رادیو شریعت، اسلام وب پانه، دارالافتاء، سنگر جهاد و مجله حقیقت به‌عنوان مهم‌ترین و به‌روزترین منبع اطلاع‌رسانی طالبان هستند. آخرین فعالیت‌های خود را لحظه‌به‌لحظه به زبان‌های پشتو، اردو، عربی، فارسی و انگلیسی منتشر می‌کنند. در زیر متن گزارش‌ها، هر کس قادر به ارائه دیدگاه و هم‌رسانی آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی می‌باشد.

بیشتر دامنه‌ها و سرورهای میزبانی پایگاه‌های تبلیغاتی طالبان توسط شرکت معتبر ثبت دامنه (Enom)، شرکت ترن کامرس «Turn Commerce»، نیمزو «Nimzo»، نیم برایت «Name Bright» و

^۱. <https://howd.org/index.php/۴۴-۲۲-۱۱> طالبان چگونه تمویل مالی و مهمات می‌شوند

^۲. <https://tebyan.af> آمریکا مبارزه صادقانه برای مبارزه با تروریسم ندارد

سرویس کلودفلر «Cloud flare» تأمین می‌شود. همچنین خدمات اینترنتی نیم چپ در آمریکا و شرکت تیم اینترنت آلمانی Team Internet AG از دیگر ارائه‌دهندگان فضای مجازی برای طالبان هستند.^۱

طالبان حملات خود به نیروهای ارتش، پلیس و نهادهای دولتی را فیلم‌برداری کرده و آن را بلافاصله از طریق شبکه‌های اجتماعی به مخاطبان خود می‌فرستند و پایگاه اطلاع‌رسانی خود نیز منتشر می‌کنند. همچنین شمار تلفات را چندبرابر گزارش می‌دهند. در برخی مواقع آنان به‌صورت تخصصی از ابزار مدرن برای پخش پیام‌ها و رسیدن به اهداف خود استفاده می‌نمایند.^۲ همان‌طوری که در فوق ذکر گردید طالبان ویب سایت‌ها و رادیوهای فعال دارند هر یک مستند و با ثبوت به‌طور خلاصه معرفی می‌گردد:

رادیو صدای شریعت: برای نخستین بار پس از سقوط رژیم طالبان، رادیو شریعت مربوط به این گروه، روی امواج رادیویی ۹۹.۲ اف.ام در ولایت غزنی نشراتش را شروع کرده است.^۳

سایت اینترنتی صدای جهاد: این سایت در گوگل قابل دریافت است و فعالیت‌های گروه طالبان را به نشر رسانده و ضمناً پیام‌های افراطی برای مردم دارند.^۴

سایت امارت اسلامی افغانستان: این سایت نیز در گوگل قابل دسترس است و گروه طالبان همیشه مطالب اسلامی را نشر کرده و در محتوای آن موضوعات افراطی را می‌گنجانند تا به‌عنوان پیام سچه اسلامی مورد قبول مردم افغانستان واقع گردد.^۵

سایت اینترنتی سنگر جهاد: این سایت مانند سایر سایت‌های اینترنتی گروه طالبان حاوی مطالبی است که همه به نفع گروه طالبان می‌چرخد.^۶

تویتر و فیس‌بوک ذبیح‌الله مجاهد سخنگوی گروه طالبان: ذبیح‌الله به‌عنوان سخنگوی رسمی گروه طالبان همیشه با شبکه‌های تلویزیونی در تماس بوده و از صحت و سقم اخبار معلومات ارائه می‌دارد؛ ضمناً همیشه در فیس‌بوک و تویتر فعال بوده است. معلومات ارائه‌شده از جمله امکانات گروه طالبان می‌باشد که به نفع خود استفاده می‌نمایند؛ ولی با وجودی که دومین (Domain) یا سرور مرکزی سایت‌ها و رادیوها در آمریکا و یا اروپا قرار دارد، اقدام جدی علیه آن صورت نگرفته و به‌صورت غیرمستقیم اغماض شده است. ضمناً تلویزیون خصوصی طلوع، طلوع نیوز و سایر شبکه‌های مربوط به موبی‌گروپ یگان مرتبه برنامه‌هایی تهیه می‌دارند که تا حدی به‌طور غیرمستقیم حمایت تبلیغاتی از گروه طالبان محسوب می‌گردد. مثلاً: مستندی که راجع به گروه طالبان در ولایات جنوب افغانستان تهیه‌شده است، ویدیو به نحوی نمایش داده می‌شود که حاکمیت ساحه مطلق به دست

^۱ <https://tebyan.af> آمریکا مبارزه صادقانه برای مبارزه با تروریسم ندارد

^۲ <https://tebyan.af> آمریکا مبارزه صادقانه برای مبارزه با تروریسم ندارد

^۳ <https://www.etilaatroz.com/۶۰۷۰۹/>

^۴ <http://alemarahdari.net/?cat=۷۵>

^۵ <https://alemarahdari.net/>

^۶ <https://www.iribnews.ir/fa/news/۲۹۴۱۲۰۸/>

گروه طالبان قرار دارد و جنگ میان گروه داعش و طالبان صورت گرفته است و در اخیر گروه داعش شکست می خورد؛ در این مستند، از حکومت به شکل منفی یادآوری می نماید، گویا حکومت وجود دارد؛ ولی در مقابلشان گروه طالبان در این ساحه حکمرانی می کنند و هم سطح در مقابل حکومت قرار دارد و بهتر از حکومت تأمین امنیت کرده است.^۱ به همین ترتیب تلویزیون شمشاد و ژوندون گهگاهی به طور علنی از فکر و عملکرد گروه طالبان حمایت می نمایند.

علاوه بر معلومات ارائه شده، مذاکرات مقامات ارشد ایالات متحده آمریکا با گروه طالبان می باشد آنچه امروزه سؤال برانگیز و قابل انتقاد است، در حضور وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا، زلمی خلیل زاد با ملا برادر مسئول سیاسی گروه طالبان در مقابل رسانه های جهانی نشست، سندی را تحت عنوان مذاکرات صلح میان ایالات متحده آمریکا و گروه طالبان به امضا رساندند که این خود بیانگر حمایت تبلیغاتی به نفع یک گروه تروریستی می باشد. کسانی که به جرم تروریستی تا دیروز در زندان گوانتانامو بودند، امروز با ایشان تعامل سیاسی صورت می گیرد. اگر بحث، بحث صلح و رسیدن به یک توافق از راه مسالمت آمیز باشد در این صورت مکانیزم رفع اختلافات از طریق مسالمت آمیز باید مدنظر گرفته شود و در آن مذاکره، میانجیگری، مساعی جمیله، تحقیق و سازش به منظور رسیدن به صلح روی دست گرفته شود. حالا مذاکره با کسانی می شود که به لحاظ حقوقی تروریست محسوب می گردند و بر اساس قواعد بین المللی مذاکره نمودن با چنین گروهی یک امر مردود بوده و از طرف دیگر شناسایی این گروه به واسطه ابرقدرت جهان، مشروعیت سیاسی به طالبان داده است که این خود نوعی حمایت غیرمستقیم از یک گروه تروریستی را بیان می دارد.

به هر صورت کتاب حاضر به پایان رسید، کلام آخر اینکه رویه دولت ها با گروه های تروریستی، مرا به این عقیده باورمند ساخت که موجودیت تروریسم برای بعضی دولت ها یک نعمت است.

^۱. <https://m.youtube.com/watch?v=1xawcmavxrg>. داعش در افغانستان

نتیجه‌گیری

از زمان پیدایش گروه طالبان تا به امروز، این گروه را عناوین مختلفی داده‌اند؛ مانند: برادران ناراضی، مخالفین سیاسی، نهضت آزادی‌بخش ملی، گروه مزدور، گروه شورشی و گروه تروریستی. چنین القاب غیرحقوقی ابهام‌آمیز بوده است و تا هنوز معلوم نیست که این گروه مشروعیت بین‌المللی دارد یا نه. به همین سبب این گروه مورد کنکاش قرار گرفت تا معلوم گردد بر اساس حقوق بین‌الملل، ماهیت حقوقی گروه طالبان چیست؟ به‌منظور دریافت پاسخ، لازمی دانسته شد که طبق منابع حقوق بین‌المللی و بخصوص پروتکل شماره ۱ مصوب ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، مشخصات گروه‌های چهارگانه‌ی ضددولتی (نهضت‌های آزادی‌بخش ملی، گروه تروریستی، گروه مزدور و گروه شورشی) را با مشخصات گروه طالبان، مطابقت داده، به بررسی بگریم. مبتنی بر این مطابقت، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که:

نخست: نهضت‌های آزادی‌بخش ملی یکی از تابعان حقوق بین‌الملل بوده که به هدف آزادی کشور از چنگال اشغال و حکومت نژادپرست عرض‌اندام می‌نمایند، عملکرد انسانی بر اساس نورم‌های بین‌المللی، داشتن رهبر پاسخگو و داشتن یونیفرم خاص همانند قوای مسلح کشورها ازجمله مشخصات این گروه محسوب می‌گردند. با توجه به مشروعیت بین‌المللی حضور نیروهای خارجی در افغانستان طبق قطعنامه ۱۳۷۸ مورخ ۲۷ اکتبر ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل و کنفرانس بن ۲۰۰۱، عملکرد خلاف قواعد بین‌المللی گروه طالبان، نداشتن رهبر پاسخگو برای مردم و جامعه جهانی و نداشتن یونیفرم خاص، این گروه در قالب نهضت‌های آزادی‌بخش ملی قرار گرفته نمی‌تواند.

دوم: گروه تروریستی در حقوق بین‌الملل مشروعیت نداشته و مبارزه علیه این گروه جز مکلفیت‌های دولت‌ها به حساب می‌آید و عملکرد ضد ارزش‌های انسانی و خلاف قواعد بین‌المللی، ایجاد ترس و وحشت در جامعه به هدف رسیدن به قدرت حکومتی ازجمله مشخصات این گروه دانسته شده است. با توجه به عملکرد گروه طالبان که اکثراً مرتکب جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی شده‌اند و در امر پیشبرد مبارزه، متوسل به ایجاد ترس و وحشت در جامعه گردیدند و ضمناً در این اواخر دیده شد که همه اهداف مبارزاتی‌شان به‌منظور رسیدن به قدرت حکومتی بوده است، پس جای شک و شبهه‌ای را باقی نمی‌گذارد که تمامی مشخصات این گروه با گروه تروریستی همخوانی دارند؛ بنابراین گروه طالبان یک گروه تروریستی محسوب شده و بر بنیاد قواعد بین‌المللی، چنین گروهی حق حکومت‌کردن را نداشته و علاوه بر آن اعضای گروه تروریستی باید در محاکم ملی و بین‌المللی مورد تعقیب عدلی و قضایی قرار گیرند.

سوم: گروه مزدور در حقوق بین‌الملل مشروعیت نداشته و به هدف کسب منفعت مادی در جغرافیای بیگانه شامل جنگ به نفع یکی از طرف‌های درگیر می‌شوند. هرچند تا حدی، گروه طالبان با گروه مزدور مشابهت

دارند؛ ولی با توجه به جنگ در جغرافیای متبوع و از طرف دیگر ثابت نشدن جنگ شرق و غرب در افغانستان به‌عنوان جنگ بین‌المللی، محال است که این گروه را ظاهراً، مزدور بنامیم.

چهارم اینک: گروه‌های شورشی یا اصلاح‌طلب‌اند و یا منفعت‌طلب. گروه‌های شورشی اصلاح‌طلب همیشه با برپایی تظاهرات و ایجاد بی‌نظمی خواست‌هایشان را ابراز می‌نمایند و همین‌طور، شورشی تجارتمند به‌منظور دریافت منفعت دست به سلاح برده، باعث بی‌نظمی در جامعه می‌گردد که با توجه به اصل عدم توسل به‌زور عملکرد این گروه مشروعیت بین‌المللی ندارد. با درنظرداشت تشکیلات گسترده، ابعاد چندگانه و معاملات استخباراتی، گروه طالبان بزرگ‌تر از آن است که در قالب این گروه جا گیرد.

بنابراین بر بنیاد مشخصاتی که به بررسی گرفته شد و همچنان نفی آشکار و زیر پای گذاشتن منشور سازمان ملل متحد، پروتکل شماره ۱ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و سایر قواعد بین‌المللی، به این نتیجه منطقی و حقوقی می‌رسیم که گروه طالبان از جمله گروه‌های تروریستی محسوب شده و از هیچ‌گونه مشروعیت بین‌المللی برخوردار نمی‌باشند.

فهرست منابع

الف: کتاب‌ها

۱. امین‌زاده، الهام، مفهوم دفاع مشروع در قبال تروریسم، مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، چاپ اول ۱۳۸۱.
۲. آنتونی پ و راجرز، پل مالرب، قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه: کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، امیرکبیر، چ دوم، ۱۳۸۷.
۳. پیترز، هاپکرک، بازی بزرگ، ترجمه: کامشاد نیلوفر، تهران، رضا، چ اول، ۱۳۷۹.
۴. جمشید، ممتاز، «تروریسم و تفکیک آن از مبارزات آزادی‌بخش»، مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، چ اول، تابستان ۱۳۸۱.
۵. حجازی، محمدعلی، حقوق اسیران جنگی، تهران، میزان، ۱۳۸۷.
۶. حیات، شاکر، مسئولیت بین‌المللی سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا در قبال معاهده بن ۲۰۰۱، ۱۴۰۱.
۷. ذاکریان، مهدی، محاکم کیفری بین‌المللی، تهران، نیسا، ۱۳۹۳.
۸. راعی، مسعود، «مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال رفتار افراد و گروه‌ها در پرتو رویه قضایی»، قم، مؤسسه امام خمینی، چ اول، ۱۳۹۳.
۹. رشید، احمد، طالبان (اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید)، ترجمه: اسدالله شفای و صادق باقری، تهران، دانش هستی، چ اول، ۱۳۷۹.
۱۰. روسو، شارلف، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه: علی هنجنی، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ج ۱، ۱۳۶۹.
۱۱. ژان ماری هنکرتز و لوئیس دوسوالدیک، حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ج ۱، ۱۳۹۲.
۱۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش، چ ۷، ۱۳۹۲.
۱۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق معاهدات بین‌المللی، تهران، گنج دانش، چ ۳۶، ۱۳۹۲.
۱۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، گنج دانش، چ ۲، ۱۳۹۲.
۱۵. طارق، محمد اعظم، حقوق جنگ، کابل، رسالت، چ اول، ۱۳۹۱.

۱۶. عارف، سروری، ۹ و ۱۱ سپتامبر، کابل، همایون، چ اول، ۱۳۸۸.
۱۷. عشرتی، عبدالاحد، جنایت علیه بشریت و محکمه بین‌المللی، کابل، خاور، ۱۳۸۶.
۱۸. لیندسی، کامرون، شرح کنوانسیون اول در مورد بهبود وضعیت مجروحان و مریضان نیروی نظامی در میدان جنگ، بیجا، کمیته صلیب سرخ، بی‌تا.
۱۹. مزده، وحید، افغانستان و پنج سال سلطه طالبان، تهران، نشر نی، چ دوم، ۱۳۸۳.
۲۰. مشرف، پرویز، در خط آتش، ترجمه: سید هارون یونسی، کابل، میوند، چ اول، ۱۳۸۵.
۲۱. معاونت پژوهش و تولید علم، تحلیل تروریسم شبکه‌ای، تهران، دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی، ۱۳۹۶.
۲۲. میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل، تهران، میزان، چ دوم، ۱۳۹۲.
۲۳. نصراللهی، مرتضی، «حمایت از گروه‌های مخالف در حقوق بین‌الملل»، قم مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۸.
۲۴. وری، پیترو، فرهنگ قانون بین‌المللی منازعات مسلحانه، کابل، کمیته صلیب سرخ، ۱۳۹۰.
۲۵. ویشال چاندرا، جنگ ناتمام در افغانستان، ترجمه: امید محمد، کابل، سعید، چ اول، ۱۳۹۵.
۲۶. ویلیام، مالی، افغانستان طالبان و سیاست‌های جهانی، ترجمه: عبدالغفار محقق، کابل، کوثر، چ اول، ۱۳۷۷.

ب: مقالات

۱. سید حسین هاشمی، «حقوق و تکالیف نهضت‌های آزادی‌رهای بخش در مخاصمات مسلحانه از نگاه فقه و حقوق جزای بین‌الملل»، حقوق اسلام، شماره ۴۵، سال ۱۲، ۱۳۹۶.
۲. کراری، مزدوری، «*Le mercenariat*» ترجمه علی هنجنی، مجله تحقیقات حقوق، شماره ۴۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
۳. نورتون، ژوزفجی؛ و شمس، هبا، «قانون پول‌شویی و تأمین منابع مالی تروریسم: واکنش‌هایی پس از یازدهم سپتامبر»: ترجمه محمدجواد میر فخرایی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۹، ۱۳۸۲.
۴. خمایی زاده، فرهاد، «مبارزه با پول‌شویی در بانک‌ها و مؤسسات مالی، نگاهی به قانون ضدتروریسم ایالات متحده آمریکا»، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۹، ۱۳۸۲.

۵. کارگری، نوروز و مهرا، نسرین، روان‌شناسی اقدامات تروریستی: هراس و هراس‌افکنی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیق، ۱۳۹۷.

۶. Routledge handbook of terrorism research, written by Alex P.Schmid. published by Taylor and Francis, ۲۰۱۱.

۷. guide to the analysis of insurgency ۲۰۱۲, published by the us government.

۸. Décause, E. ET Pellet, A. ed. Pedone, A. Droit international Penal, CEDIN Paris x, sous la direction deHerveASCENSIOM, Paris, ۲۰۰۰.

۹. Morton, S. Jeffry and Presley, Jones, "The legal Status of Mercenaries", Policy and Politics, Vol.۳, No, ۴, ۲۰۰۲.

۱۰. Sources: Rosin ski, Herbert. "The German Army", Infantry Journal, ۱۹۹۴, P.۲۰; Childs, John. Armies and Warfare in Europe ۱۶۴۸ – ۱۷۸۹, Manchester University Press, ۱۹۸۲.

۱۱. Francois. J. "Mercenaries: Diagnosis Before prescription", Netherlands Hampson, Yearbook of international Law, Vol. ۲۲, ۱۹۹۱.

۱۲. Oxford Dictionary of Law, M.A. Elizabeth and L. Jonathan (eds.), Oxford University Press, ۲۰۰۶.

۱۳. Cesner, Jr. Robert, E. and John W.Brant, "Law of the Mercenary: An international Dilemma", Capital University Law Review, Vol.۶ Issue. ۳, ۱۹۷۶-۱۹۷۷.

۱۴. Francois. J. "Mercenaries: Diagnosis Before prescription", Netherlands Hampson, Yearbook of international Law, Vol. ۲۲, ۱۹۹۱.

۱۵. Cesner, Jr. Robert, E. and John W.Brant, "Law of the Mercenary: An international Dilemma", Capital University Law Review, Vol.۶ Issue. ۳, ۱۹۷۶-۱۹۷۷.

ج: قوانین و اسناد بین‌المللی:

۱. قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲.
۲. پروتکل شماره ۱ کنوانسیون چهارگانه ژنو سال ۱۹۷۷.
۳. کنفرانس بن، ۲۰۰۱.
۴. کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۲۷.
۵. کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹.
۶. کد جزای افغانستان، ۱۳۹۶.
۷. طرح ۵۹ ماده‌ای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، ۲۰۱۱.
۸. اساسنامه محکمه بین‌المللی کیفری.
۹. قطعنامه شماره ۲۱۸۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۴.
۱۰. قطعنامه شماره ۱۸۱۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۱۱ جون ۲۰۰۸.
۱۱. قطعنامه شماره ۱۷۷۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۷.
۱۲. قطعنامه شماره ۱۷۰۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۶.
۱۳. قطعنامه ۱۴۵۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۲۰ جنوری ۲۰۰۳.
۱۴. قطعنامه شماره ۱۳۹۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۲۲ جنوری ۲۰۰۲.
۱۵. Convention Respecting the Rights and Duties of Neutral Power and Persons in Case of War on Land, Oct. ۱۸, ۱۹۰۷, ۳۶ Stat. ۲۳۱۰. T. S.No.۵۴.
۱۶. Occupation and other forms of administration of territory, IRC, March ۲۰۱۲.
۱۷. International law of belligerent occupation, J.A.G.S, text. NO: ۱۱.
۱۸. Draft articles on responsibility of states, ۲۰۱۱.
۱۹. Organization for security and co-operation in Europe ministerial council, Bucharest, ۲, Dec ۲۰۰۱, article ۲۳.

تالیفات قبلی نویسنده:

۱. کتاب بررسی صلاحیت‌های رئیس‌جمهور با تأکید بر قانون اساسی افغانستان. سال ۱۳۹۶
۲. بررسی مسئولیت بین‌المللی سازمان ملل متحد و ایالات متحده آمریکا در قبال دولت‌سازی افغانستان با تأکید بر معاهده بن ۲۰۰۱. سال ۱۴۰۰
۳. مقاله، نوع نظام سیاسی افغانستان. سال ۱۳۹۹
۴. مقاله، نوع نظام انتخاباتی افغانستان و راه‌حل آن. سال ۱۴۰۱